

## این ترک های دوست داشتنی



عکس: DeeAshley

### روزنامه نگار - ماهرخ غلامحسین پور

وقتی زنی می زاید، با کودکش رنج هم می زاید. ترک ها و افتادگی پوست و بی ریختگی شکمی که تا دیروز صاف و یک دست بود، اما امروز دیگر نیست، ما را نسبت به تنمان خشن می کند. دیگری را نسبت به تنمان خشن تر می کند. خودمان را دوست نداریم. برهنه که می شویم دیگر به خودمان در آینه و شکمی که زمانی صاف و یکدست بود خیره نمی شویم. با سرخوشی دست به شکمان نمی سابیم. بدمان می آید از پوستی که آویزان شده، قلمبه قلمبه چین می خورد تا پایین. دیگری هم نسبت به تنمان نامهربان می شود. به تنمان دست نمی کشد. اولش می گوییم لابد به زودی ترمیم می شود. اما نمی شود و باقی می ماند. ما حسمان را لابلای آن ترک ها گم می کنیم. بعدش دیگری پیشنهاد می دهد که برویم جراحی کنیم..

### بیش از حد بابت این ترک ها رنجور نباشیم

دکتر سیمین صبری، روانپزشک ساکن نروژ در این باره می گوید: نباید نقش همسر را با بیان الفاظ ناخوشایند و گاه تمسخر آمیز به علت تغییرات پوستی بعد از زایمان و بروز ترک ها نادیده گرفت.

به اعتقاد من اگر مردی گمان می کند ارزش شریک زندگی او با تغییراتی که به ناچار در ظاهر همسرش ایجاد می شود، بالا و پایین می تردید جدی داشت. «زن با ارزش» رود و یا کم و زیاد می شود، باید به تعریف او از یک

علاقه عاطفی که به ظاهر طرف دیگر وابسته مطلق است، با وزش هر بادی که منجر به تغییرات ظاهری می شود، به آن رابطه آسیب زده و منجر به فرسایش زندگی زناشویی می شود.

مردی که نتواند بهایی را که زن به قیمت تغییر در اندام های بدنش، ریسک ابتلا به بیماری قند و مسمومیت بارداری و پارگی های کانال های زایمان، برای کودکش می پردازد عاشقانه درک کند و نقاط جذاب و زیبای همسرش را از دوران آشنایی تا جوانی و بارداری و رنج می مادری از یک شکلی به شکل دیگر دنبال کند و از هر کدام از مراحل زندگی لذت ببرد، از درک همه جانبه زیبایی های زندگی برد.

برطرف شود، همواره در معرض تهدید چنین فردی حتی اگر امروز ترک های پوست و تغییرات در بدن همسرش با معجزات علم پزشکی تواند او و همسرش را از این قبیل صدمات مصون سازد. نمی انواع و اقسام حوادث و بیماری ها در دنیایی پر از حادثه و خطر است و کسی با چنین افرادی باید تلاش نمود که دیدگاه آنها را به ارزش هایی که میان یک زن و مرد آرامش و محبت را پدید می آورد در مقابله معطوف کرد.

اسکارو ترک های پوستی در هنگام بلوغ و رشد سریع نوجوانان، بروز چاقی «این روانپزشک در گفت و گو با خانه امن ادامه می دهد: باعث ناراحتی و های مفرط و دوران بارداری بخصوص در ناحیه شکم و سینه ایجاد می شوند و از نظر زیبایی به اندام بانوان آسیب زده و دل آزردهای زنان می شوند که البته این دل آزردهای تا حدی طبیعی است.

این دلخوری دقیقاً به نارضایتی کسانی شبیه است که از اعضای بدن، قد، وزن و شکل و فرم نقاط مختلف بدنشان ناراضی اند و البته حسی معمولی است.

اما اگر این حس بد به مرحله ای برسد که جریان عادی زندگی را به مخاطر بیندازد و در مسیر زندگی مشکل ایجاد کند، به وسواس یا افسردگی تبدیل شود، یا باعث بروز حالت هیجانی و دلواپس بودن شود و به کیفیت معمول زندگی آسیب بزند باید وارد مراحل عامل درمانی شود.

کنند. بی‌راز ما سلب می معمولی و امکان داشتن زندگی این حالات آن موقع پاتالوژیک یا بیمارگونه اند که امکان کار، لذت از زندگی برنمیدارند و ما را روزی به دکتر میکشانند ها و اضطرابها و و دغدغه های که دست از سر ماخوابی

ما را به هم بریزد یا لذت زندگی را بر ما حرام کند، دیگر هم اگر بیش از حد نرمال ما را اذیت کند و کیفیت زندگی ترکهای پوستی «اند نرمال نیستند بلکه پاتالوژیک یا بیمارگونه».

### شوهرم می گوید عمل کن.

نگران این بود که مبادا بلوزش حین حرکات کششی بالا "رکسانا را در یک سالن ورزشی دیدم. با لباسش احساس راحتی نمی کرد. مرتباً برود و چروک ها و خطوط شکمش دیده بشوند.

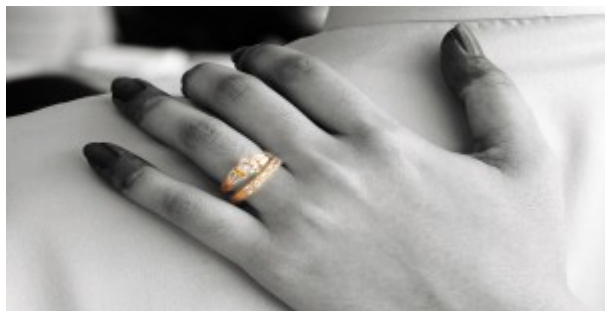
او که یک دخترک پنج ساله دارد می گوید: زمانی شکمش صاف بود. خبری از ترک و چروک ها خبری نبودند. اما حالا او حس ناخوشایندی نسبت به تنش دارد زیرا همسرش مستقیم و غیر مستقیم درباره بدنش حرف میزند و یا خوش هیکلی زنهای دیگر را به رخش می کشد. رکسانا می گوید که تازکی رابطه جنسی شان کم شده. خودش هم دیگر خودش را دوست ندارد. کمتر رغبت می کند در آینه خودش را دید بزند. و شوهرش می گوید بهتر است شکمش را به تیغ جراحی بسپارد.

و خوشبختی را باد با خود برده. شکافی درست شده بینمان به اندازه تمام ترک ها و تغییرات روی بدنم. اولش الان پنج سال است آن شبها می گفتم این ترک ها را هم دوست داری. روی خط های شکم را می بوسیدی. آنها یادگار رشد جنینی دخترکمان بودند. هم آن موجودی که هر دومان عاشقش هستیم و با او زندگی مان پوست انداخته. اما هی که زمان می گذشت آن ترک ها آبی می شدند. قرمز می شدند. قهوه ای می شدند. پوست می انداختند و رنگ عوض می کردند. پوست شکم شل و وارفته شده بود. چربی ها که آب شدند یک به کیسه شل و وارفته زیر پیراهنم ماند که رنگارنگ بود و با راه رفتنم تکان می خورد. هنوز هم نمی دانم آن ترک ها را دوست داشته باشم یادگاری مادر شدنم یا ازشان متنفر باشم که باعث شده اند دیگر دست را شکم نگذاری. حالا شکافی مانده بینمان به اندازه همه آن رگ به رگ های دوست داشتنی.

---

## کمبودهای قانونی کنترل خشونت خانگی ایران در مقایسه با

## مالزی



## پژوهشگر وکیل و - مهری ملکوتی

آن مسلمان سنی هستند از سال ۴۹۹۱ با هدف حمایت از زنان و ۳٪ مالزی کشوری با جمعیت حدود ۰۳ میلیون نفر است که ۱۶ کودکان قربانی خشونت خانگی اقدام به قانونگذاری کرده و البته تاکید بر این است که این قانون خاص، همراه با مفاد قانون جزا تفسیر و شود. نظر به این که تا کنون نهادهای قانونگذاری در ایران، با این استدلال که حمایت خاص و گسترده از زنان خشونت دیده که استنباط با انتشار متن کوتاه شده ای از این قانون، "خانه امن" ممکن است منجر به فروپاشی کیان خانواده بشود، بر خلاف مبانی اسلامی است، الگوبرداری از آن را برای ایران توصیه می کند.

الگوبرداری از این قوانین موکول به آن است که محافل حقوقی در ایران با وجود دریافت خبرهای خشونت خانگی، پیش نویسی طراحی و اعلام می کند برای سامان بخشیدن به مسائل اجتماعی کنند و این پیش نویس را در شرایط امروز ایران که دولت جدیدی سر کار آمده در حوزه زنان، آمادگی دارد، از طریق مطبوعات با مردم در میان بگذارند. از نظرات مردم برای تکمیل آن بهره مند شده و سپس متن تکمیل را تقدیم نهادهای موثر در قانونگذاری کنند. شده

محورهای عمده این قانون که مبتنی با اصول اسلامی است چنین است:

### تعریف خشونت خانگی:

به معنی ارتکاب هریک از اعمال زیر است: «خشونت خانگی»

عمدا فرد قربانی را در شرایط ترس از جراحت جسمی یا تهدید جراحت جسمی قرار دادن. آگاهانه و - الف مرتکب نسبت به آن آگاهی دارد. ایراد صدمات جسمی به فرد قربانی به واسطه انجام عملی که موجب جراحت می شود و - ب تهدید به برقراری رابطه جنسی یا هر عمل دیگری که قربانی حق امتناع از آن دارد. وادار کردن قربانی با اجبار و - ج محسوس کردن فرد قربانی بر خلاف میل او. محدود و - د اذیت فرد قربانی توسط شخص علیه: دارائی با نیت یا علم به اضطراب و فساد یا تخریب یا آسیب به اموال و - ه

- همسر مرد یا زن
- همسر سابق مرد یا زن
- کودک
- فرد بزرگسال ناتوان
- هر فرد دیگر از اعضای خانواده.

در این قانون :

- به پلیس یا مامور رفاہ از سوی سازمان تامین اجتماعی گفته می شود. «مامور اجرا» -
- قرار می گیرد. «دستور حمایت» فردی است که مورد حمایت «فرد حفاظت شده» -
- به خانه یا موسسه ای اطلاق می شود که از سوی سازمان بهزیستی و یا سازمان های رسمی و ثبت شده داوطلب در «خانه امن یا پناهگاه» -
- نظر گرفته شده است.

### حکم حمایتی چیست و چند گونه است؟

و در بر گیرنده بازداشت مرتکب خشونت و دیگر تصمیماتی است که امنیت قربانی را تامین می کند. مانند دادگاه آن را صادر می کند اخراج مرتکب از اقامتگاه مشترک، ممانعت از ورود او به محل اقامت مشترک با قربانی، ممانعت از برقراری هر نوع ارتباط با قربانی. و مانند آن.

حکمی است که در مرحله تحقیقات برای امنیت شاکی صادر و اجرا می شود و پس از پایان تحقیقات (بازجوئی و حکم حمایتی موقت باز پرسى)، باید ملغی شود. صدور این حکم ممکن است در پی کسب اطلاعات مربوط به کمیسیون جرائم خشونت خانگی در حین تحقیقات پلیس انجام بگیرد. در صورت بی اعتنائی به حکم توسط مرتکب، جزای نقدی هم به دیگر مجازات ها افزوده می شود.

بیست و چهار ساعت بعد از صدور حکم حمایتی موقت یا قرار تامین، مدیر دفتر دادگاه می بایست یک نسخه از قرار را به مامور اجرائی محل سکونت متهم ابلاغ کند و مامور اجرائی طی هفت روز می بایست با ارائه مدارک قطعی و ثبت آن در دادگاه اقدام به تشکیل پرونده نماید.

### حکم حمایتی اصلی

چنانچه با وجود سپری شدن ۲۱ ماه از زمان صدور حکم اصلی و به سر آمدن مدت آن، دادگاه متقاعد شود که برای امنیت فرد یا افراد تحت حفاظت، نیاز به تمدید وجود دارد، تا یک بار قابل تمدید است.

## اختیار بازداشت

در این قانون در مواردی که بر دادگاه ثابت شود که ممکن است فرد خاطی اقدام به ایجاد صدمات بدنی علیه شخص حمایت شده نماید، می تواند دستور بازداشت متهم را صادر کند.

## مشاوره

دادگاه می تواند در هر مرحله از دادرسی همزمان با صدور حکم حمایتی، علاوه بر قرارهای قبلی مانند صدور حکم حمایتی موقت یا حکم حمایتی اصلی، اقدام به اقدامات دیگری کرده و حتی به عنوان جایگزین آن تصمیمات و احکام و قرارها دستور به مذاکره صادر کند. مشاوره های مورد نظر دادگاه به موجب قانون خشونت خانگی مالزی، این موارد را در بر می گیرد:

- 0 دعوت طرفین به سازش و مصالحه،
- 0 جهت توانبخشی، روان درمانی یا هر نوع مشاوره مورد نیاز دیگر، - انفرادی یا اشتراکی - ارجاع متهم یا شاکی
- 0 مراکز مشاوره در کشور مالزی زیر مجموعه سازمان تامین رفاه اجتماعی بوده یا تحت نظارت سازمان امور مذهبی کار می کنند.

## مسئولیت شاهد

به موجب قانون خشونت خانگی مالزی، فردی که شاهد بروز خشونت خانگی بوده است یا امکان وقوع آن را محتمل می داند، می بایست وقوع آن را با ارائه دلیل به اطلاع مامورین اجرائی برساند.

این قانون در عین حال که برای شاهد تکلیف و مسئولیت قانونی تعیین کرده، امنیت او را نیز مورد توجه قرار داده است. در قانون تاکید شده که فرد اطلاع دهنده نباید مورد توهین یا افترا قرار بگیرد.

## خسارات مالی که قربانی خشونت دریافت می کند

قانون خشونت خانگی مالزی به خسارات مالی که قربانی تحمل می کند بسیار اهمیت می دهد. خسارات را دادگاه به صورت منصفانه باید تعیین کند و علاوه بر هزینه های مداوا، و ترمیم صدمات جسمی و روانی، هر نوع هزینه ای که فرد قربانی به علت ترک محل اقامت خود مجبور به پرداخت آن شده است، مانند:

- 0 نقل و انتقال به خانه امن،
  - 0 اجاره پرداختی به خانه موقت،
  - 0 هزینه لازم برای تامین خانه جدا
- را مورد رسیدگی قرار داده و متناسب با وضعیت اقتصادی قربانی و متهم، رای صادر می کند.

این که برای تهیه خلاصه قانون از این "در صورتی که علاقمند به مطالعه نسخه کامل این قانون هستید به این آدرس مراجعه کنید. توضیحا آدرس استفاده شده که حاوی ترجمه فارسی و کامل قانون است: (۱)

## یک نکته مهم و آموزنده

### برای نهاد های قانونگذاری در ایران

وقتی قانون مالزی را مطالعه می کنیم، این حسرت و دریغ تسخیرمان می کند که چرا در کشور ما از این الگوها استفاده نمی شود. آن چه مسلم است قوانین کشور مالزی در کنترل خشونت خانگی بر ضد زنان، نمی تواند با مبانی اسلام در تضاد و تناقض باشد. مالزی کشوری است با اکثریت مسلمان و نسبت به حفظ موازین اسلامی در قانونگذاری حساس است و دغدغه خاطر دارد.

در قانون مدنی ایران، یک ماده قانونی بسیار سودمند گنجانده شده تا به استناد آن خشونت خانگی بر ضد زنان کنترل بشود. ولی این ماده قانونی موضوع را بسیار خلاصه و فشرده ادا کرده و همه گونه تصمیم گیری را به شخص قاضی سپرده است. ماده ۵۱۱۱ قانون مدنی که تنها تکیه گاه زنان قربانی خشونت خانگی در ایران است، می تواند الهام بخش تصویب قوانین و آئین نامه های اجرائی شود تا تسهیلات مناسبی برای امنیت زنان در زندگی خانوادگی ایجاد کند. به موجب این ماده قانونی:

**« اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی و یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می تواند مسکن علی »**

**حده اختیار کند و تا تغییر رفتار شوهر، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادامی که زن در بازگشتن به منزل «مزبور معذور است پرداخت نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.»**

این ماده قانونی خوشبختانه یک اصل مهم را که عبارت است از مسئولیت قوه قضائیه برای تضمین امنیت زنان در زندگی خانوادگی، به رسمیت شناخته، ولی پس از گذشت بیش از ۲۸ سال از تصویب آن و با وجود تحولات وسیع و عمیق اجتماعی و سیاسی در ایران، هنوز بسط و تفصیل این قانون و تصویب شیوه های اجرائی متناسب با اوضاع و احوال اجتماعی که تصویب یک قانون تکمیلی را ایجاب می کند، در دستور کار نهادهای قضائی و اجرائی کشور قرار نگرفته است. در پناه این ماده از قانون که فقط یک شالوده است و احتیاج به تکمیل دارد، امکانات زن برای دور شدن از دسترس شوهری که خشونت می ورزد بسیار سخت و در مواردی محال است. خلاء های قانونی در ایران را می شود این گونه برشمرد:

قانونگذار در ماده ۵۱۱۱ قانون مدنی، خشونت خانگی را تعریف نکرده است. در خلاء این تعریف کار بر قاضی هم سخت می شود و تا خشونت به درجاتی که جان و مال و شرافت زن را بکلی خدشه دار نکرده نرسد، قاضی حکم بر خروج زن از خانه صادر نمی دهد. بسیاری مسائل در این حوزه ناگفته مانده و در همه حال این قربانی است که بی خانمان و سرگشته و سربار خویشاوندان و دوستان می شود و کرامت انسانی را از دست می دهد. شوهر که متخلف از قانون و شرع است، در خانه مشترک باقی می ماند. به علاوه مشمول مجازات های خاص اجتماعی هم نمی شود.

چرا زن خشونت دیده که شاکی است باید خانه را ترک کند و مرد خشونت ورز که متهم و مجرم است باید در خانه بماند؟ چرا در ایران حکم حمایتی برای امنیت زنان در خانواده بعد از مرگ سهراب صادر می شود و تازه در آن صورت هم که زن از نظر جسمی و روحی کاملا شکسته شده، این زن است که آواره خانه این و آن و شرم سار کسانی می شود که به او پناه می دهند؟

به نظر می مطبوعاتی درون ایران کمتر به نارسائی های این ماده قانونی در کنترل خشونت خانگی پرداخته شده و - در بحث های حقوقی رسد وکلای مدافع و قضات و قربانیان خشونت خانگی که عموماً از نارسائی ها مطلع اند، هنوز آن را به یک بحث ترویجی که بتواند نهادهای قانونگذاری را به اصلاح قانون و تکمیل آن متقاعد کند نپرداخته اند. حال آن که این بحث یک اولویت بسیار حیاتی برای نیمه ای از جمعیت ایران است. ایران به مصوباتی مانند قانون خشونت خانگی مالزی و حتی از آن بیش نیاز دارد. این اولویت از جمله مقتضیات اجتماعی است. زن خشونت دیده باید در پناه قانونی که با ذکر جزئیات به او امنیت بدهد، بی ترس به وظائف همسری و مادری خود ادامه دهد.

زنان خشونت دیده ایرانی خانه امن ندارند. از احکام حمایتی که مثلاً در مالزی به نفع شان صادر می شود، بهره ای ندارند. گاهی در حبس جرات و قدرت دادخواهی و خروج از خانه و تن دادن به ریسک را "خانگی شوهر به اندازه ای احساس ترس و تنهایی می کنند که اساساً در خود نمی یابند. دولت و نهادهای قانونگذاری در شرایط کنونی می تواند بر این زندگی که سرشار از ترس و نا امنی است با قانونگذاری پایان دهد. این حق زنان است تا به حاکمیت فشار بیاورند و این وظیفه وکلای مدافع است که پیام زنان خشونت دیده را با کلام و بیان حقوقی به گوش نهادهای قانونگذاری برسانند.

در این باره و ضمن مطالعه قوانین سایر کشورها و مقایسه آن با ایران، در آینده بیشتر می نویسیم. از وکلای مدافع ایرانی و مددکاران اجتماعی و فعالان حقوق زن و قربانیان خشونت دعوت می کنیم تجربه های خود را پیرامون مشکلات اجرائی ماده ۵۱۱۱ قانون مدنی ایران که تنها شانس قانونی زنان خشونت دیده ایرانی برای فرار از مردان خشونت ورز است، با ما در میان بگذارند.

(۱) <http://fair-family-law.name/spip.php?article1065>

---

**وقتی بابای خوشنام و مهربانش مُرد، توانست از خاک سیاه بلند شود**



### هنر فارغ التحصیل رشته رسانه های پویا و - پریسا صفرپور

هیچکس نفهمید که خودکشی کرده ام. دفعه اول را می گویم. یعنی دفعه سوم و چهارم، خانواده ام فکر کردند باراول و دومی است که «اقدام به خودکشی می کنم.»

می گوید. «خانه امن پدر» از خاطرات تلخش در «هاله» اینها اولین جملاتی است که

داشتنی وتازه حالا در سی و پنج سالگی و به عنوان یک همسر موفق اروپا نشین که تحصیلات عالی دارد و بین غریبه و آشنا زنی دوست «اجتماعی محسوب می شود، می فهمم که هرچه هنوز در وجود و روانم نابود است، نشأت گرفته از خانواده ای کم سواد، بی سواد، بی «فرهنگ و سنتی است. با این توضیح که هیچکس در خانواده ما مذهبی نبود و نیست.»

هاله را از کودکی می شناسم زیرا پدرانمان هر دو درجه دارهای ارتش بودند. حالا پس از ده سال بی خبری از او، به لطف شبکه های اجتماعی، از خاطرات کودکی می گویم. تازه می فهمم که او هرگز دختر خوشبختی نبوده است.

اکثر مردم خیال می کنند ما دخترسرهنگ ها خیلی عزیز بابا بودیم، به خصوص اگر از ارتشی های به قولی زمان شاه بوده باشند. اما من «وقتی چهارده ساله بودم زیر دست و پای برادرم ویران شدم و خانواده سکوت کردند. برادرم با تردیددرباره دوست پسر داشتم مرا به انباری «بابا شکنجه کرد. برد و با دسته بیل، کمر بند چرم و فانوسقه

هیچ اثری از آن دردها نمانده. دسته بیل بر کمرم شکست. فانوسقه «هاله هنوز با یادآوری خاطره بیست و یک سال پیش حق می کند. «بر ران هایم از بین رفت و کمر بند چرم روی باسنم ترک برداشت ولی امروز من به خاطر اینکه اعضای خانواده ام نادان بودند در رنجم.

هاله به محض اینکه از درمان آن زخم ها بلند می شود اقدام به خودکشی می کند.

تازه می فهمم که چقدر خانواده ام بی توجه بودند. مگر می شود بچه چهارده ساله سه بسته ده تایی قرص بخورد و هیچکس نفهمد؟ من «سه روز بالا می آوردم و در بیهوشی راه می رفتم. بعد از سه روز مرا بردند بیمارستان کودکان و آنجا هجده روز برای آزمایش و رادیولوژی «پزشکان گفتند این بچه هیستریک است. «به خاطر سردرد و تهوع بستری شدم و نهایتا

ولی من فقط هیستریک نبودم، افسرده بودم. بیمار بودم. در آستانه فروپاشی بودم. دردهایم اندازه سن و «هاله هیستریک بودنش را قبول دارد. «سالم نبود.

هجده ساله بودیم که در میان دوست و آشنایان مشترک پیچید هاله معتاد یا صرعی شده است. هاله اصل موضوع را برای من بازگو می داند خودکشی با قرص بوده است. هنوز گویم نمی کس تا حالا که به تو می آن روزها برای دومین بار خودکشی کردم. که البته هیچ «کند. برای چه بیمارانی تجویز می شود ولی آن روزها خاله مادرم که درد سیاتیک بسیار جدیدی داشت خانه ما مهمان «نمی دانم این قرص دقیقا «کردم مستحق مرگ هستم قرص ها را از او کش رفتم بود. من که در هجده سالگی برای یک اتفاق کنایه خیالی می

هاله به محض اینکه دیپلم گرفت و در کنکور قبول نشد در کلاس های کمک های اولیه هلال احمر شرکت کرد. یکی دوماه بعد شنیدیم

خودت که می دانی، حقوق ارتشی هایی که در دهه شصت بازنشسته شدند کم بود. من همیشه «که در یک مطب مشغول به کار شده است. هزار حسرت داشتم. وقتی مشغول کار شدم نه تنها خرج خودم را که تنها بچه مجرد خانه بودم درآوردم، که توانستم به عنوان کمک، قبض «بپردازم. تلفن و خرده ریزهای خانواده را هم تا شش سال بعد

«هاله طی همان چند ماه اول در اولین مطلبش نوشت، یک تجربه بسیار تلخ که تا به امروز برایش ناگوار است را پشت سر گذاشته است. با بی دردسر پیدا می کنم تو که یادت هست همه می گفتند در آمپول زدن دستم سبک است یا اینکه رگ برای سرم زدن را سریع و مهربانی و لبخند بیماران را می پذیرفتم و از همه جای شهر مریض داشتیم. یک روز متوجه شدم مرد جوانی برای دهمین بار طی یک هفته آمد آمپول تقویتی بزند. به او گفتم بهتر است صبر کند دکتر بیاید و با او مشورت کند. گفت دکتر برایش تجویز کرده. وقتی رفتیم به اتاق تزریقات پشت پاروان اتاق تزریقات گرم آورد و مرا بوسید و دستمالی کرد. من با جیغ و فریاد خودم را کنار کشیدم و به سالن دویدم و به مریض هایی که منتظر آمدن دکتر بودند گفتم این مرد به من تجاوز کرده است. سریع به پلیس خبر دادم و ما را فرستادند مفاسد. خلاصه یک هفته دادگاه و پاسگاه این شد که یک مامور در مفاسد پدرم را کشید کنار و در حضور من به او گفت: چون نظامی بوده ای و برادر شهید هستی و مردی محترم، به تو هشدار می دهم رضایت بدهید چون این یک بازی دوسر باخت برای دخترت است. ثابت کردن تجاوز اگر خانم هنوز باکره باشد سخت است. بخصوص که پسرک مدعی است رضایت طرفین در میان بوده و دخترت مدت ها با خوشرویی او «را پذیرفته ولی وقتی فهمیده او زن دارد تهدید به آبروریزی کرده است.

هاله با قرص های خاله خانم خودکشی کرد چون وقتی رضایت دادند و آمدند خانه پدرش غرغرکنان گفت:

پیچ پیچ گوید طی یکی دوروز بعد از رضایت دادن، دائم او می «مفاسد و پاسگاه و دادگاه نرفته بودیم که از صدقه سر هاله خانم رفتیم.» شایعه صرع و اعتیاد داشتن برای این شکل گرفت که قرص ها مرا تشنجی «شنود که از تردید خانواده به او نشأت می گرفت.هایی می کرد. معده ام کمک کرده بود مثل دفعه اول همه را بالا آوردم ولی قند خونم به زیر سی می افتاد. تا ده روز هر روز در اورژانس بیمارستان «کردند از فشار عصبی آن اتفاق تشنجی شده ام.آشنایی کسی دیده است و شایعه شکل گرفته، در ضمن خانواده فکر می «بودم. احتمالاً

به نظر می رسد هاله اگر در سی و پنج سالگی روحیه چهارده، هجده و بیست و سه سالگی اش را داشت، باز هم اقدام به خودکشی می کرد چون تاکید می کند که هرگز به روانپزشک و روانکاو و مشاور مراجعه نکرده است.

به پزشک در این کنم زبان یاد بگیرم تا بتوانم دانم، در سوئد هستم و دارم تلاش می نرفته ام چون نمی دانستم باید بروم و حالا که می «سطح مراجعه کنم. دوبار اولی که اقدام به خودکشی کردم، هم زیر هجده سال بودم و هم آگاهی نداشتم باین توضیح که خانواده نفهمیدند خودکشی کرده ام، اما دوباری که فهمیدند، بیست و چندساله بودم. در عرض چهل روز آگاهانه و برای مرگ اقدام کردم. پدرم برای صدمین بار چیزی را فروخته بود که بدهی برادرانم را بدهد. خانه، زمین، ماشین. حالا که من کار می کردم و سال ها بود خرج خودم را می برای کمبودهای خانه و تعمیرات یا تعویض ماشین قراضه مان خرج کند، اما او حتی «دادم توقع داشتم به فکر جهیزیه من باشد، یا مثلاً دستگاه ماهواره و ساتلایت را برای بدهی دویست هزارتومانی برادرم فروخت و من ابراز ناراحتی کردم، که چرا تنها دلخوشی مرا که فقط «شوم برای برادرهایی که متاهل و سی چهل ساله هستند فروخته اید؟ شبی یکی دو ساعت خانه هستم و پیش از خواب سرگرم می

زبان درازی و دخالت کردن در کارهایی که بهش مربوط «هاله آن شب در حضور عروس ها و دامادها و نوه ها آن قدر کتک می خورد تا یادش برود. او فردای آن روز مچ هر دو دستش را وقتی در خانه تنها بود برید. این بارهم او نجات پیدا کرد اما پدر با او قهری «نیست طولانی در پیش گرفت. خانواده به او گله کردند که چرا به فکر آبرویشان نبوده. یکی از خواهرهایش او را به خانه خودش برد و ضمن تمام شده بودم. از بودن ته کشیده بودم. پدرم قهر، مادرم بی توجه، شغلم از «کاملاً» دلداری دادن، نصیحتش کرد. هاله اما معتقد است: دست رفته، برادرانم بی خیال یا عصبانی و خواهرانم متعجب و گیج بودند. من هیچ همراه و همدل و عاقلی سر راه آزمون و خطاهایم چهل روز بعد بخیه های دستم هنوز تازه بودند که سه! مشاوری بر بالین من نفرستاد نداشتم. متعجبم که چرا بیمارستان هیچ روانشناس و «مثقال تریاک خوردم.

او برای اینکه بتواند بسته های تریاک را قورت بدهد آن ها را در قره قوروت پیچید و خورد، همین سبب شد تریاک دفع شود و او چون خودکشی کرده «به خانه پدری بازگشت که قهر بود و مادری که به خاطر هزینه های بیمارستان سرزنشش می کرد: «سرشکسته» «بودی بیمه ات را قبول نکردند.

با همه اینها عاشق پدرم «در عین حال اذعان می کند: «کاش مرده بودی.» هاله می گوید انگار با زبان بی زبانی حالی اش می کردند بودم. مرد بدی نبود، مهربانی ذاتی بی دریغی داشت و خوشنام بود. بین سنت و مدرنیته گیر کرده بود. ولی مجبورم اعتراف کنم اگر در بیست و پنج سالگی من فوت نمی کرد، من موقعیت امروز را نداشتم و باز هم اقدام به خودکشی (البته موفق) کرده بودم. نه تلاش می کرد که شرایط مناسبی برای ازدواج من فراهم کند و نه با رشد و استقلال طبیعی ام کنار می آمد. با مرگش من از خاکستری که ترجیح می داد آمد حتی رقصیدنم به حساب می برای آبرویش در آن بنشینم برخاستم. از نظر او هر حرکت من اگر در راستای کار و خانه نبود آبروریزی درمجلس زنانه عروسی پسر عمه و دخترخاله. بعد از او همه موانع را کنار زدیم چون آنها دیگر پدرم که احترامش واجب است و (صاحب) «من بود، نبودند.

کرده است، به « ویران » کتک هایی که از پدر و برادر خورده بود نیست. آنچه که او را «صرفاً» هاله معتقد است خشونت خانگی بود. «بی توجهی و بلاهت تمامی اعضای خانواده» گفته خودش

پریسا صفرپور متولد سال ۸۵۳۱ و اهل شیراز، فارغ التحصیل رشته رسانه های پویا و هنر از پراگ است. او نویسندگی را ابتدا با دیدن مشاهدات واقعی اش از زندگی دختران همسن اش در هفده سالگی شروع کرد. سپس به صورت آزاد برای روزنامه های شیراز و دانشجویی ۹۸۳۱ ۴۸۳۱ و- رمان های او که از زندگی واقعی دوستانش الهام گرفته است را در سال های ۰۸۳۱. گزارش های داستانی تهیه می کرد آنقدر درد داریم و دخترانگی مان به «در ایران و آلمان منتشر کرده است. او هم اکنون با همسرش در پراگ زندگی می کند و معتقد است جفا و فنا رفته که صدسال هم از ایران دور باشیم، حرف برای گفتن زیاد است و این دور ماندن هیچ تاثیری بر آگاهی مان از درون ایران «نخواهد گذاشت»

## آیا خانواده های بد سرپرست می توانند سرپرست خود را برای گرفتن یارانه تغییر دهند؟

مادر خانواده در صورت در دسترس نبودن یا عدم صلاحیت سرپرست خانواده، اولویت اصلی برای قرار گرفتن در جایگاه جانشین سرپرست است و می تواند کمک ها و یارانه ها را دریافت کند.

### **پرسش:**

شوهرم معتاد است و کمک های دولتی و یارانه ها را به موجب قانون به او پرداخت می کنند. اما او این مبالغ را در اختیار من نمی گذارد تا کمک هزینه بچه ها بشود. بلکه با آن مواد مخدر خریداری می کند. آیا برای این مشکل بزرگ که یک خانواده از آن رنج می برد، راه حل قانونی وجود دارد یا باید باز هم آقای معتاد خانواده در مقام ولی قهری، از دولت به حساب من و بچه ها پول بگیرد و آن را صرف می شود به او گفت سرپرست و کمک و یارانه افراد محتاج خانواده را در اختیارش گذاشت؟ «اعتیاد خود کند؟ اساساً

### **پاسخ:**

به ضرورت تغییر سرپرست خانواده های بد سرپرست برای گرفتن یارانه توجه نشان داده «سازمان هدفمند سازی یارانه ها» خوشبختانه اخیراً تقاضای تغییر سرپرست را مراجعه کرده و 10 + خانواده های بد سرپرست می توانند با نامه فرمانداری به دفاتر پلیس " و اعلام شده است: مطرح کنند. ترتیب تغییر سرپرست این گونه است که: پس از بررسی مدارک و مستندات خانوارهای بدسرپرست، در صورت تایید، فردی تشریفات تغییر مراجعه می کند و 10 + که به عنوان سرپرست جدید انتخاب می شود به همراه نامه رسمی فرمانداری، به دفاتر پلیس البته شما باید مدارک و مستندات و احیاناً شهودی را که دارید آماده کنید تا موافقت برای تغییر سرپرست را «سرپرست اجرا می شود. تحصیل کنید.

### **پرسش:**

این که به من کمکی نمی کند. حتما وقتی راه بیافتم دنبال این راه حل و پس از دوندگی موفق بشوم مسئولین را متقاعد کنم که آقا به درد سرپرستی و دریافت یارانه اعضای خانواده نمی خورد، ناگهان سر و کله پدر شوهرم پیدا می شود و او را سرپرست اعلام می کنند. از چاله در می آیم و می افتم توی چاه.

### **پاسخ:**

حق دارید نگران باشید. متأسفانه در قوانین ایران برای مادر حق ولایت و سرپرستی پیش بینی نشده است. اما این بار در دستورالعملی که صادر شده و به موجب آن، امکانات تغییر سرپرست بی صلاحیت یا غایب، شرح داده شده، مادر خانواده را بهترین گزینه تشخیص داده اند. بند 9 دستورالعمل را که خبرگزاری ایلنا منتشر کرده عیناً نقل می کنم:



در کلیه موارد مندرج در این دستورالعمل اولویت اصلی برای جانشین سرپرست، مادر خانواده است و در صورت نداشتن مادر، فرزند - 9 «...بزرگ تر در صورت رسیدن به سن قانونی به عنوان سرپرست خانوار تلقی می گردد»

**پرسش:**

چه عجب به مادر خانواده هم نیم نگاهی داشته اند.

**پاسخ:**

از آن عجیب تر این که در صورت فقدان مادر، حق جانشین سرپرست را به فرزند بزرگ خانواده تفویض کرده اند و در آن به جنسیت نپرداخته اند. صف دختران را از صف پسران جدا نکرده اند. دختر هم اگر فرزند بزرگ خانواده باشد در غیاب مادر می تواند جانشین سرپرستی شود که یا غایب است یا بی صلاحیت. بنابراین در دستورالعمل اخیر، دختران خانواده هم از سوی مسئولین به خوبی دیده شده اند و به آنها بها داده اند.

**پرسش:**

کاشکی همیشه منصفانه نگاه می کردند.

**پاسخ:**

! کاشکی

---

## شرایطی که مانع مسئولیت کیفری می شود

### فصل دوم - موانع مسئولیت کیفری

**ماده 146** افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.

**ماده 147** سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

شود. در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می - **ماده 148**

هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده بهنحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب - **ماده 149** می شود و مسئولیت کیفری ندارد.

هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه - **ماده 150** جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود.

شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او میتوانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی میکند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیراین صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر میکند. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند.

این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماریهای روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل

نگهداري او دادستان دستور خاتمه اقدام تأميني را صادر کند.

شود. در صورت عارض شدن هرگاه مرتکب يکي از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعي دچار جنون شود حد ساقط نمي - 1 تبصره جنون قبل از صدور حکم قطعي در حدودي که جنبه حق الهي دارد تعقيب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخير ميفتد. نسبت به مجازات هايي که جنبه حق الناسي دارد مانند قصاص و ديه و همچنين ضرر و زيان ناشي از جرم، جنون مانع از تعقيب و رسيدگي نيست.

قوه قضائيه موظف است مراکز اقدام تأميني را در هر حوزه قضائي براي نگهداري افراد موضوع اين ماده تدارک ببيند. تا زمان - 2 تبصره شروع به کار اين اماکن، قسمتي از مراکز روان درماني بهزيستي يا بیمارستاني موجود به اين افراد اختصاص داده مي شود.

گردد. درشود مجازات نمي هرگاه کسي بر اثر اکراه غير قابل تحمل مرتکب رفتاري شود که طبق قانون جرم محسوب مي - ماده 151 جرائم موجب تعزير، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم مي شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار مي شود.

سوزي، سيل، طوفان، زلزله يا بيماري به منظور حفظ نفس ياهرکس هنگام بروز خطر شديد فعلي يا قريبالوقوع از قبيل آتش - ماده 152 مال خود يا ديگري مرتکب رفتاري شود که طبق قانون جرم محسوب مي شود قابل مجازات نيست مشروط بر اينکه خطر را عمداً ايجاد نکند و رفتار ارتكابي با خطر موجود متناسب و براي دفع آن ضرورت داشته باشد.

توانند با تمسک به اين ماده از ايفاي وظيف قانوني خودباشند نمي کساني که حسب وظيفه يا قانون مکلف به مقابله با خطر مي - تبصره امتناع نمايند.

گرددشود مجازات نمي هرکس در حال خواب، بيهوشي و مانند آنها، مرتکب رفتاري شود که طبق قانون جرم محسوب مي - ماده 153 مگر اينکه شخص با علم به اينکه در حال خواب يا بيهوشي مرتکب جرم مي شود، عمداً بخوابد و يا خود را بيهوش کند.

مستي و بيارادگي حاصل از مصرف اختياري مسکرات، مواد مخدر و روانگردان و نظاير آنها، مانع مجازات نيست مگر اينکه - ماده 154 ثابت شود مرتکب حين ارتكاب جرم به طور کلي مسلوبالاختيار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف اين مواد به منظور ارتكاب جرم يا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم مي شود.

جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نيست مگر اينکه تحصيل علم عادتاً براي وي ممکن نباشد يا جهل به حکم شرعاً عذر - ماده 155 محسوب شود.

جهل به نوع يا ميزان مجازات مانع از مجازات نيست. - تبصره

هرگاه فردي در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال يا آزادي تن خود يا ديگري در برابر هرگونه تجاوز يا خطر فعلي يا - ماده 156 قريبالوقوع با رعايت مراحل دفاع مرتکب رفتاري شود که طبق قانون جرم محسوب مي شود، در صورت اجتماع شرايط زير مجازات نمي شود:

رفتار ارتكابي براي دفع تجاوز يا خطر ضرورت داشته باشد. - الف

دفاع مستند به قرائن معقول يا خوف عقلايي باشد. - ب

دفاع ديگري صورت نگرفته باشد. تجاوز به سبب اقدام آگاهانه يا تجاوز خود فرد و خطر و - پ

خطر مؤثر واقع نشود. توسل به قواي دولتي بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد يا مداخله آنان در دفع تجاوز و - ت

کننده بوده يا مسؤوليت دفاع آزادي تن ديگري در صورتي جايز است که او از نزديکان دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و - 1 تبصره از وي برعهده دفاعکننده باشد يا ناتوان از دفاع بوده يا تقاضاي کمک نمايد يا در وضعيتي باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولي رعايت شرايط آن محرز نباشد اثبات عدم رعايت شرايط دفاع برعهده مهاجم است. - 2 تبصره

شود. المال پرداخت مي در موارد دفاع مشروع ديه نيز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم ديوانه که ديه از بيت - 3 تبصره

مقاومت در برابر قواي انتظامي و ديگر ضابطان دادگستري در مواقعي که مشغول انجام وظيفه خود باشند، دفاع محسوب - ماده 157 نمي شود لکن هرگاه قواي مزبور از حدود وظيفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عمليات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض يا ناموس يا مال گردد، دفاع جايز است.

شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست: علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می - ماده 158

در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد. - الف

در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد. - ب

امر مذکور خلاف شرع نباشد. در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و - پ

شود، مشروط بر اینکه مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می سرپرستان صغار و اولیای قانونی و اقدامات والدین و - ت  
اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.

این مقررات هم حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و عملیات ورزشی و - ث  
مغایر موازین شرعی نباشد.

علمی رعایت موازین فنی و هر نوع عمل جراحی یا طبیبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و - ج  
و نظامات دولتی انجام می شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.

هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم میشوند لکن - ماده 159  
مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی شود و در دیه و ضمان تابع  
مقررات مربوطه است.

منبع: <http://goo.gl/mnTtp8>

## تصمیم پزشکی و قاضی متاثر از کاستی های قانونی



عکس: Hamed Saber

### پژوهشگر - وکیل: مهری ملکوتی

قوانین زیانبار، حتی وقتی مستثنیاتی دارد که مفید به حال کنترل خشونت خانگی است، ترس ایجاد می کند. مسئولین و مجریان زیر سلطه  
صحیح می گذارند و "قانون بد" این ترس، از درک مستثنیات غافل مانده و گاهی به زیان قربانیان خشونت خانگی، برای اجرای کلیات  
مستثنیات آن را نادیده می گیرند. یکی از قوانین بد که باعث می شود کودکان به سبب آن آسیب ببینند، مجموعه قوانین ناظر بر اختیارات  
وسیع ولی خاص یا ولی قهری است. پدر و جد پدری زیر عنوان ولی خاص یا ولی قهری، در قوانین ایران می توانند در تمام امور حساس  
فرزند یا نوه، دخالت تعیین کننده ای داشته باشند. امور مالی، امور تحصیلاتی، در اختیار انحصاری آنهاست. حتی در مواردی صاحب  
اختیار جان فرزندان و نوه های خود می شوند. قانون مجازات اسلامی اجازه نمی دهد پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را به عمد به  
قتل می رساند، قصاص شود. در مقایسه با این حقوق وسیع، مادر فاقد اختیارات لازم در ساماندهی امور مالی و تحصیلاتی فرزند است. در  
نتیجه وقتی مادر، کودک زیر سن بلوغ یا رشد خود را به ضرورت به بیمارستان منتقل می کند، فوراً مسئولین و پزشکی که عمل جراحی را  
نسبت به جریات قانون، آگاهی و اطلاعات لازم را ضروری تشخیص می دهد، جویای پدر می شوند. اگر مسئولین بیمارستان و پزشکان،

نداشته باشند، آن قدر این دست و آن دست می کنند و به علت نبود رضایت نامه ولی ( پدر یا جد پدری ) روی پرونده، نگران می شوند که ممکن است بر اثر تردید و ترس آنها، وقت و فرصت از دست برود و جان بیمار به خطر بیافتد.

یک نمونه از آن اخیرا در ایران اتفاق افتاد. ما نا دختر 8 ساله ای که نیاز به عمل جراحی فوری داشت، چون پدرش زندانی بود و در دسترس نبود، پزشکان متخصص یک بیمارستان از انجام عمل جراحی، خودداری کردند و گفتند بدون رضایت پدر نمی توانیم دختر 8 ساله را عمل کنیم. مادر ما به علت زندانی بودن شوهر توانست موضوع را رسانه ای کند و پس از مدتی معلوم شد پزشکان از قانونی می ترسند که فقط از نصف آن خبر دارند و نصف دیگرش را نخوانده اند. اقدام مادر ما و کمکسانی رسانه های ایران، سبب شد که این سوء تفاهم بر طرف شده و پزشکان به درک درست مفهوم مندرج در قانون برسند.

ولی " این رویداد بدون شک در بسیاری موارد که مادر طفل دسترسی به رسانه ها ندارد، بارها تکرار شده و زندگی کودکان را در غیاب که پدر و جد پدری هستند به خطر انداخته است. ما با اقدام هشیارانه مادر در بیمارستان دیگری مورد عمل "ولی قهری" یا "خاص تا قوانین مرتبط با " نظام پزشکی ایران " جراحی که فوریت داشت قرار گرفت و سلامت خود را باز یافت. اما این نمونه اخطاری است به سلامت و جان کودکان زیر 18 ساله ایرانی را، در جزوه ای چاپ کرده و در اختیار اعضای نظام پزشکی و بیمارستان ها قرار دهد. همچنین وزارت بهداشت در این باره، مسئولیت دارد و باید به ضرورت آموزش قوانین حمایت کننده از جان کودکان و نوجوانان به کادرهای پزشکی و پرسنلی مراکز درمانی، توجه نشان بدهد.

### پزشکان از چه می ترسند؟

به طوری که در بالا ذکر شد، با وجود انبوهی مواد و تبصره های قانونی پیرامون تسلط پدر و جد پدری بر کل سرنوشت اطفال و نوجوانان، در پاره ای موارد اساسا باورکردنی نیست که بدون رضایت آنها، درباره اطفال و نوجوانان زیر سن 18 سال، تصمیم گیری شود. حال آن که قانونگذار که به صورت غیر عادلانه، انواع اختیارات را به پدر و جد پدری تفویض نموده، یک مورد از آن همه را استثناء کرده و اجازه داده بدون رضایت آنها در موارد اورژانس، بیمار را بستری و درمان کنند. قانونگذار حتی در این فرض استثنائی، از مادر یا هر فردی که نام نبرده است. کودک در حضانت اوست،

این استثنا در یک بند از ماده 158 قانون مجازات اسلامی مندرج است. در این ماده قانونی، قانونگذار از اعمالی سخن می گوید که در شرایط عادی مصداق اقدام مجرمانه است. اما در شرایط خاص، از قلمرو اقدام مجرمانه خارج می شود.

علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر « در صدر این ماده آمده است: «قابل مجازات نیست»

، به " بند ت " مرتبط است. "خشونت خانگی" ذیل ماده، این موارد را در 6 بند، تعیین کرده است. دو بند از این شش بند با موضوع نیم نگاهی دارد به کنترل خشونت خانگی. در " بند ج " گونه ای انشاء شده است که خشونت خانگی بر ضد کودکان را ترویج می دهد. بررسی می شود: "خانه امن" این مقاله این دو بند مرتبط با اهداف

هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و " بند ج: " علمی و نظامات دولتی انجام می شود ( اقدام مجرمانه نیست ). در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.

بی گمان بیماری است که به سن بلوغ و رشد رسیده است و اخذ "شخص" در این بند از ماده 158 قانون مجازات اسلامی، منظور از که به صغار و محجورین توجه دارد، مطرح نیست. در بخش دیگری از این بند " اولیاء و سرپرستان و نمایندگان قانونی بیمار" رضایت از که به ضرورت اخذ رضایت از اولیاء بیمار که صغیر یا محجور است پرداخته و به رضایت فردی که صغیر یا محجور در حضانت اوست، بها نداده است. لذا در صورتی که رضایت ولی قهری یا ولی خاص که پدر و جد پدری است و مانند آنها روی پرونده پزشکی نباشد، در صورت در "مادر" معلول شدن صغیر و محجوری که تحت عمل جراحی قرار گرفته یا در صورت مرگ او، پزشک مسئولیت جزائی خواهد داشت. این بند اساسا کاره ای نیست. بنابراین مادران که به ندرت می توانند در فقدان پدر و جد پدری فرزند خود، قیم بر آنها بشوند، و در صورت که فوریت پزشکی ندارد، بی ارزش "غیر اورژانس" وجود پدر یا جد پدری، ولایت قهری فرزندان با آن دو است، رضایت شان در موارد است.

این قانون از جمله قوانینی است که ترس را در جمع پزشکان اشاعه می دهد و ترجیح می دهند خود را گرفتار قانونی نکنند که در موارد غیر اورژانس بر رضایت پدر و جد پدری تاکید دارد. تشخیص اورژانس بودن موضوع، خود به تنهایی باعث نگرانی پزشک در دسترس می به صراحت یاد می کرد، این ترس را از میان می برد یا آن را تقلیل می داد. "مادر" شود. حال آن که اگر قانونگذار از ارزش رضایت

افزوده از درجه "ج" این استثناء که قانونگذار به بند «در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست. « گفته شده "ج" در فرازی از بند ترس و وحشتی که برای پزشکان در موارد خاص ایجاد می کند، نمی کاهد. تشخیص این که موضوع اورژانس بوده است، بار سنگینی است بر شانه های پزشک در دسترس، که ترجیح می دهد به تنهایی تصمیم گیری نکند و در صورت حضور مادر هم، نگرانی ها رفع نمی

شود. مادر در قوانین ناظر بر خانواده در ایران، موجودی است که همه گونه تکلیفی به عهده دارد، اما دارای حقی بر فرزند نیست.

اما در شرایط کنونی که امیدی به اصلاح این قوانین به نفع مادران و صغار و محجورین نیست، نقش نظام پزشکی و وزارت بهداشت عمده می شود. توقع این است که نهاد صنفی نظام پزشکی، اعضای خود را آموزش داده و از مرگ و میر صغار و محجورین بی کس و کار بکاهد. از طرفی در بولتن ها و خبرنامه های خود، زیان های این قوانین ترسناک را که دست پزشک را در حرفه انسانی اش می لرزاند، بازتاب دهد. قانونگذار در ایران به شدت نیازمند آن است که با مشکلات ناشی از قوانین که گاهی جان مردم را به خطر می اندازد، از طریق نهادهای مورد وثوق خود، آگاه بشود.

### ابهام قانونی در تادیب صغار و مجانین

از ماده 158 قانون مجازات اسلامی به صورت صریح و روشن، خشونت بر ضد بچه ها و نوجوانان زیر سن رشد و همچنین "ت" بند اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط بر این " بند ت: " که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تادیب و محافظت باشد.

این بند به صورت آشکار در برگزیده مجوز خشونت بر زیر 18 ساله ها و همچنین عضو مجنون ( مبتلا به بیماری روانی ) خانواده هاست. از جمله "ت" حامل این مجوز غیر انسانی است. بند "والدین" این بند مجوز خشونت ورزی به این افراد را به مادر هم داده است. کلمه قوانین بد و زیان باری است که شرط مندرج در آن به کنترل خشونت خانگی بر ضد فرزندان و مجانین کمک نمی کند. جایی که مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تادیب و " قانونگذار در این بند شرط می گذارد و تاکید می کند را قاضی چگونه و با کدام متر یا ضابطه اندازه گیری "حد متعارف" را تغییر نداده است. "ت" ، ماهیت خشونت آمیز بند "محافظت باشد می کند؟ بی گمان قاضی شرایط محلی که خانواده در آن زندگی می کند را مجبور است مراعات کند. اگر در یک روستا یا شهر یا محله، تنبیه عضو صغیر یا مجنون خانواده به صورت ضرب و شتم یا حبس در خانه و در انبار و طویله و مانند آن مرسوم و متعارف است، قاضی را به نفع کنترل خشونت خانگی تعیین کند. از طرفی شرطی که قاضی را مقید می کند تا تنبیه صغیر یا "حد متعارف" چگونه می تواند تجاوز کند، اقدام مجرمانه برشمارد و والدین و دیگر اولیای قانونی و سرپرستان صغار "حدود شرعی تادیب و محافظت" مجنون را اگر از حدود شرعی" و مجانین را مجازات کند، شرطی است کاملاً مبهم که به کلی مبانی عدالت و ممانعت از خشونت ورزی را متزلزل می کند. کجا تعریف شده است؟ آیا پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده های ایرانی از آن با خبرند؟ آیا پلیس از آن با خبر "تادیب و محافظت است؟ آیا قضات از آن با خبرند یا سلیقه ای و هر گونه که دل شان بخواهد و سلیقه فقهی شان اقتضاء کند، آن را تعریف می کنند؟

### جمع بندی

به مرحله اجرا که می رسد، دست و پاگیر می شود. گاهی برای پزشک و شرط و استثناء، که بر آن می افزایند، قانون بد، با وجود انواع گاهی برای قاضی. نمی توان از این قوانین که در ماهیت غیر عادلانه و ترویج دهنده خشونت است، دفاع کرد. مبنای دفاع از قانون علاوه بر حفظ سلامت جسمی و روانی شهروندان، این است که از شهروندان ابزار قانونی خشونت ورزی بر ضد یکدیگر را گرفته باشد. مشروط کردن خشونت ورزی افراد یک خانواده نسبت به یکدیگر، با قانونگذاری مدرن که ضوابط جهانی حقوق بشر در آن رعایت می شود، بسیار ناهمگون است. در قانونگذاری مدرن، کرامت انسانی مجانین و ایجاد امکاناتی برای آنها از سوی دولت که مشقت کمتری را احساس کنند، یک اصل است. در قانونگذاری مدرن، بچه ها از مهد کودک و مدرسه می آموزند که پلیس در صورت مواجه شدن با خشونت خانگی، از آنها حمایت می کند. قاضی از آنها حمایت می کند. مددکار اجتماعی از آنها حمایت می کند.

آیا وقت آن نرسیده که حقوقدانان ایرانی، به صورت جمعی جزء جزء قوانین خشونت آمیز را مورد نقد و بررسی قرار داده و به قانونگذار برای بازنگری در قوانین خشونت آمیز و مبهم کنونی، یاری برسانند؟

---

## استفاده از قوانین بین المللی برای پایان دادن به ازدواج

# اجباری و زود هنگام کودکان



عکس: James Gordon

## مترجم: فرشته

ازدواج کودکان اغلب به بارداری های ناخواسته و زود هنگام منجر شده و دختران را در معرض ریسک های جانی قرار می دهد.

( به کمیته های معاهدات سازمان ملل، و درخواست آنها در مورد اینکه، ازدواج کودکان را به NGO گزارش های سازمان های غیر دولتی) عنوان نقض حقوق بشر دولت ها عنوان کنند، یک استراتژی موثر برای حمایت از اجرای قانون بین المللی در سطح محلی است. این گزارش ها می توانند به صورت یک توصیه محکم به دولت ها باشند که قدم های ویژه ای را جهت مبارزه با ازدواج کودکان بردارند، مانند " هنگامی که در یمن در سال 2012 کمیته حقوق بشر به دولت توصیه کرد که حداقل سن ازدواج را معین کند. در حال حاضر، گروه و همکاری آنها، با موفقیت از برنامه کمیسیون جایگاه ارتباطات زنان و دیگر روش ها در سطح بین المللی و همینطور "Equality Now" منطقه ای استفاده کرده اند، تا توجه دولت ها را به این موضوع جلب کنند .

ویژه و مثبتی روی جلب توجه افراد، نسبت به زیان بار بودن نرم های جامعه که ( می توانند تأثیر NGO گزارش های نهادهای غیر دولتی ) اجازه می دهند این سنت ها حتی زمانی که قانون با ازدواج کودکان مخالف است، داشته باشند.

## یک ابزار اساسی برای پایان دادن به ازدواج های پیش از موعد و اجباری کودکان - قانون ملی

لازم است که دولت ها با قوانین بین المللی تشریح مساعی کنند تا بتوانند آنها را در سیستم قانونی تصویب و اعمال کنند. بخش های مسئولند تمامی معیارهای قانونی، قضایی، مدیریتی و تمام موارد دیگر را برای اطمینان حاصل کردن از رعایت CEDAW , CRC دولتی کلیه حقوق زنان و کودکان در نظر گیرند.

بنا به توافق مشترک دولت ها، بخش های دولتی همچنین وظیفه دارند بخش های خصوصی را از اعمال تبعیض نسبت به زنان و کودکان که شامل: خشونت های جنسیتی، جنسی، فیزیکی، روانی، روحی، اخلاقی و همچنین اعمالی که مانع رشد روحی و اجتماعی کودکان هستند، باز دارند .

با این وجود در چند گزارش اخیر دیگر نیز مشخص شده است، حتی زمانی که کشوری حداقل سن ازدواج که نزدیک به استاندارد جهانی است را قانونی کرده است، همچنان در اغلب موارد اجرا یا تأیید نمی شود ، یا ممکن است شروطی، مانند رضایت در قانون وجود داشته باشد که استثناهایی را برای اجرای صریح قانون در نظر بگیرد. به علاوه، همانطور که گزارشات و موارد دیگر نشان می دهند، این سازمان های غیر دولتی هستند که در صف مقدم مبارزه با ازدواج کودک بوده و تنها بر اثر فشار همین سازمان هاست که ارگان های دولتی پیگیر موضوع می شوند. حتی با درگیر شدن این ارگان های دولتی، مداخله آنها به ندرت صورت می گیرد و، شواهد کمی از مداخله دولت در مورد ازدواج کودک در سطح ملی وجود دارد. با اینکه چند نمونه مثبت در این مورد وجود دارد، اما همچنان این عدم رسیدگی دولت و فراهم نکردن منابع بیدن معناست که که بار مسئولیت، بر دوش خود دختران است که با جرأت و آگاهی جلو بروند و یا بر دوش سازمان های غیر دولتی است که هر چه از دستشان بر می آید برای کمک به این دختران انجام دهند و یا از منابع محدود اجتماعات محلی استفاده کنند.

در مواردی که ازدواج کودکان صورت می گیرد اینکار با معضلات دیگری روبرو است، برای مثال، ناقص سازی جنسی زنان یا تغذیه

اجباری که دختران را آماده ازدواج می کند یا قیمت گذاری روی کودک عروسان. اینها مواردی هستند که در معامله ازدواج به دخترها و زن ها ارزش و مقبولیت می بخشد.

(توضیح مترجم در مورد تغذیه اجباری: در نظر مردم موریتانی، زنان و دختران هر چه چاقتر باشند زیباتر به نظر می رسند. به علاوه سن ازدواج برای دختران حدود 12 تا 14 سال است، بنابراین اگر دختر چاق تر باشد اینطور به نظر می رسد که از نظر جسمی کاملاً رشد کرده و آماده ازدواج است. برای همین بعضی از خانواده ها دختران خود را به کمپ هایی می فرستند که در آنجا روزانه به اجبار با غذاهایی معادل 16000 کالری در روز تغذیه می شوند، که حدود 10 برابر کالری لازم برای یک زن بالغ است، این کار ممکن است ازوقتی که دختران 5 یا 6 سال دارند شروع شود. در این مکان ها به زور کتک و شکنجه، غذا و شیر شتر به مقدار زیاد به آنها خورانده می شود، تا یک دختر در 15 سالگی حدود 80 کیلوگرم وزن داشته باشد )

توسط "از آنجایی که خیلی از این کارها طبق فرهنگ یا آداب و رسوم معمول و یا جزء سنت های مذهبی در نظر گرفته می شوند، معمولاً به صورت قانونی مجاز هستند. در موارد دیگر ازدواج اجباری دختران برای تسویه "دولت ها تحمل می شوند ودر بعضی موارد صریحاً حساب یک بدهی یا بر طرف کردن یک دشمنی بین خانواده ها و یا قوم ها تحت قوانین سنتی صورت می گیرد، که به موازات قانون رسمی کشور وجود دارند، بنابر این دولت ها از آن چشم پوشی می کنند یا حتی مورد تایید قرار می دهند. ازدواج کودکان در زندگی اجتماعی و اقتصادی فرد تأثیر گذار است، که این تأثیرات می تواند بعد از ازدواج و در تمام مراحل زندگی یک دختر یا زن ادامه داشته باشد.

به علاوه اشکال دیگری از تبعیض علیه زنان در قانون و سنت وجود دارد، برای مثال حق شهروندی، امنیت، ارث و مالکیت زمین همه می در زندگی داشته باشد. "توانند تأثیر عمیقی روی توانایی یک دختر یا زن برای ادامه زندگی در صورت طلاق یا مرگ همسر یا کلا

مقابله با ازدواج کودکان به تنهایی نمی تواند آنقدرها موفقیت آمیز باشد مگر اینکه استراتژی های مبارزه با قوانین تبعیض آمیز را توسعه دهیم و قانون را به صورت جامع اصلاح کنیم. رشد قابل توجهی بین دولت ها، قانونگذاران، کارمندان بهداشت، معلمان، رهبران مذهبی و اجتماعی وجود دارد که به صورت موثر به موضوع ازدواج کودکان می پردازند. جامعه مدنی باید به موضوع تبعیض و ضررهای خانوادگی و اجتماعی که به نقض حقوق بشرو به صورت کلیشه ای بر ضد زنان و دختران انجام می شود بپردازد.

با مفهوم جایگاه و طرز برخورد نسبت به آنها در "شناخت حالات و رفتارهای کلیشه ای تبعیض آمیز نسبت به زنان و دختران مستقیماً ارتباط است و این بار منفی کلیشه ای مانع اجرای قانون و ساختارهای اصولی است که برابری را تضمین می کند و از تبعیضات جنسیتی جلوگیری می کند. همچنین سازمان ملل به کشورها توصیه کرده به منظور تحت تأثیر قرار دادن خانواده ها و اجتماع با هدف به تأخیر انداختن ازدواج ها فعالیت ها و برنامه هایی را طرح ریزی کنند.

### قوانین مرسوم و مذهبی

در بسیاری از کشورهایی که ازدواج کودکان در آنها رواج زیادی دارد، ازدواج ها توسط دولت، قانون مذهبی یا سنت تأیید و تصویب می شود. در بسیاری از این کشورها قوانین اساسی این موارد را شامل موضوعات خصوصی یا خانوادگی می دانند، و تا جایی که مخالف قانون اساسی یا قانون موجود نباشد دخالتی انجام نمی دهند. اما وضعیت همیشه واضح نیست، واقعیت این است که سیستم قانونی معمولاً در مورد دخترها و زن ها اغماض می کند، مخصوصاً در مورد کسانی که در مناطق روستایی زندگی می کنند. حتی وقتی که قانون به صورت واضح حداقل سن ازدواج یا حق برابری را مشخص می کند، آداب و رسوم یا قوانین مذاهب معمولاً تأکید به نا برابری بین زنان و مردان دارد.

دولت ها باید بررسی کاملی روی آداب و رسوم، قوانین، مذاهب و تجربیات سنتی داشته باشند و ارزیابی کنند که چطور این قوانین و سنت ها روی دخترها، زن ها و ازدواج کودکان تأثیر همیشگی دارد. آنها باید اطمینان پیدا کنند، که دخترها و زن ها هم به صورت قانونی و هم به صورت واقعی با پسر ها و مردها برابر باشند.

### بررسی های ملی

نوشته شده، در خیلی از atham & Watkins که به وسیله موسسه حقوقی TrustLaw Connect این گزارش با پشتیبانی داوطلبانه موارد با همکاری از طرف شورای محلی در مورد جایگاه حقوقی ازدواج کودک و موضوعاتی در همین رابطه در 18 کشور انجام شده است. ازدواج کودکان در تمام دنیا رخ می دهد. این کشورها به صورت نمونه از تمام قاره ها انتخاب شده اند، به این دلیل که، یا ازدواج کودکان در آنها رواج بیشتری داشته است، و یا اینکه سیستم قضایی آنان ممکن است بصیرتی را در این مورد و چگونگی برخورد موفق با آن فراهم کند.

، نه تنها به شرایط قانونی محض در رابطه با سن ازدواج توجه دارد، بلکه همچنین Latham & Watkns گزارش های تهیه شده توسط بر روی اجرای آنها نیز تأکید دارند در این گزارشات همچنین قوانین و اجرای مواردی مرتبط که شامل قوانین مربوط به قیمت یا مهریه عروس، قوانین مربوط به تجاوز به کودکی که ازدواج اجباری داشته، و یا فراهم بودن خدمات امداد رسانی به کودک عروسان فراری، و

نیازهای قانونی برای ثبت تولد یا ازدواج و تحصیل دخترها نیز بررسی شده اند .

آنها همچنین ارتباط بین ازدواج کودکان و دیگر مشکلات حقوقی و اجتماعی مثل خشونت های جنسی، قاچاق انسان، استثمار، ملیت، ختنه زنان، تغذیه اجباری و غیره را نشان داده اند. خیلی از گزارش ها، متأسفانه نه همه آنها، شامل روشنگری و شناخت تدبیرهای منطقه ای است که امکان یک نگاه اجمالی را به واقعیت ازدواج کودکان در زمینه های مختلف می دهد، که برای تعیین وضعیت یک قانون اساسی هستند. اگر چه مهم است توجه کنیم که محدودیت نظرسنجی ها و اینکه آنها نمی توانند کاملاً وضعیت را در هر زمینه ای منعکس کنند باید همچنان مد نظر قرار گیرند. کلید بازنگری هر قانونی بدست سازمان های غیر دولتی محلی است که روی ازدواج کودکان و حقوق زنان کار می کنند. اطلاعات و کلایی که در این موارد تجربه دارند و تمایل به همکاری با دولت ها را داشته باشند ضروری است. تصویری که به وسیله این پژوهش ارائه شده نه تنها دل گرم کننده نیست، بلکه نشانگر این است که اغلب این دختران پس از ازدواج در سیستمی سراسر درگیری، خشونت و تبعیض گرفتار می شوند. شرط هایی برای باطل کردن ازدواج در قانون وجود دارد اما در واقعیت برای یک دختر دسترسی به آنها بدون آگاهی از قانون، تحصیلات و منابع حمایتی بسیار مشکل است. حتی اگر او بتواند یک راه فراری پیدا کند اغلب باز هم به محیط آسیب پذیری برمی گردد که از اول شروع کرده بود. تمام این موارد نیاز به بررسی فوری دارند، موضوع مهم، تلاش های متمرکز دولت هاست تا از ازدواج کودکان جلوگیری کنند و به رنج و ظرفیت های گمشده میلیون ها دختر در اطراف جهان پایان دهند.

ما توجه همگان را به بعضی از موانع برای پایان دادن به ازدواج کودکان جلب می کنیم. ما دولت ها و بقیه را تشویق می کنیم که به ازدواج کودکان پایان دهند و نگاهی به قوانین و سیاست هایی داشته باشند که زن را قادر می سازد به بهترین وجهی که حق اوست ، بدون خشونت و تبعیض زندگی کند. ما در اینجا این سوال را مطرح می کنیم که چگونه می شد اگر در این دنیا به جای اینکه دختر ها جزء مایملک فرد دیگری محسوب شوند، مورد تجاوز و سوءاستفاده قرار گیرند، فروخته شوند، و یا هیچ قدرتی بر روی سرنوشت خود نداشته باشند؛ از سلامت، امنیت، تحصیل و قدرت بهرمنند شوند؟

از 18 کشور است. Lathem & Watkins این بررسی بر اساس مطالعه

منبع:

[http://www.equalitynow.org/sites/default/files/Protecting\\_the\\_Girl\\_Child.pdf](http://www.equalitynow.org/sites/default/files/Protecting_the_Girl_Child.pdf)

## امکان تغییر سرپرست خانواده‌های بدسرپرست برای گرفتن یارانه



عکس: ایلنا

های راجع به خانوار، عدم بررسی مدارک و مستندات خانوارهای بدسرپرست و نیز کفالت، حضانت، قیمومیت، احکام صادره دادگاه» تفاهم زوجین موضوع دستورالعمل ماده (۹) آیین نامه اجرایی ماده (۷) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاحیه بعدی آن همچنان در



«ها قرار دارد. دستور کار فرمانداری

۱۰ جهت + تر پلیس توانند با نامه فرمانداری به دفاهای بد سرپرست می‌ها، خانواده براساس اعلام مدیرعامل سازمان هدفمند سازی یارانه اعمال تغییر سرپرست مراجعه کنند.

ها پس ازها به استانداران سراسر کشور فرمانداری به گزارش خبرنگار ایلنا بر اساس نامه اکبر ایزدی مدیرعامل سازمان هدفمند سازی یارانه بررسی مدارک و مستندات خانوارهای بدسرپرست، در صورت تایید، فرد سرپرست جدید خانوار می‌تواند به همراه نامه رسمی فرمانداری، ۱۰ جهت اعمال تغییر سرپرست معرفی شود. + تر پلیس به دفا

لازم به توضیح است، بررسی مدارک و مستندات خانوارهای بدسرپرست و نیز کفالت، حضانت، «در قسمتی از این نامه آمده است قیومیت، احکام صادره دادگاه‌های راجع به خانوار، عدم تفاهم زوجین موضوع دستورالعمل ماده (۹) آیین نامه اجرایی ماده (۷) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاحیه بعدی آن همچنان در دستور کار همکاران جنابعالی در فرمانداری‌ها قرار دارد.

بدین معنا که در صورت مراجعه اینگونه افراد برای تغییر سرپرست خانوارهای بد سرپرست، یا اجرای احکام کفالت، حضانت، قیومیت یا عدم سازش زوجین یا سایر احکام دادگاه‌های مربوط به خانوار کما فی السابق موضوع در فرمانداری‌ها به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ها پس از بررسی دقیق و کامل مستندات مندرج در دستورالعمل ماده (۹) آیین نامه اجرایی ماده (۷) در مورد افراد بدسرپرست، فرمانداری قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاحیه بعدی آن، در صورت تایید، فرد سرپرست جدید خانوار را به همراه نامه رسمی فرمانداری محترم، به «نمایند. ۱۰ جهت اعمال تغییر سرپرست معرفی می + تر پلیس دفا

ها به شرح زیر است: دستورالعمل موضوع ماده ۹ آیین نامه اجرایی ماده ۷ قانون هدفمند کردن یارانه

ها به مدت حداقل ۳ ماه مفقود شده و هیچگونه اطلاعی ازها مدعی شود که سرپرست آن در صورتی که اعضای خانوار یا یکی از آن - 1 وی در دست نیست با ارائه استشهاد محلی که به تایید شورای اسلامی یا شورایای یا مراجع ذیصلاح دیگر محل سکونت آنان نیز رسیده باشد، کمک و یارانه خانوار مزبور با کسر یک نفر به حساب عضو دیگر خانوار پرداخت خواهد شد.

ها به خاطر جنون یا سفت، محجور شناخته شده یا بشود. ارائه‌ها به فرد دیگری که سرپرست خانوار آن‌ها و یارانه برای اعطای کمک - 2 یکی از مدارک زیر الزامی است:

حکم مرجع قضایی ذیصلاح - الف

گواهی پزشکی قانونی - ب

ها به تایید وزارت بهداشت، درمان و آموزش گواهی یکی از بیمارستانهای روانی مراکز نگهداری این قبیل افراد که صلاحیت آن - ج پزشکی رسیده باشد.

گواهی سازمان بهزیستی محل - د

های موضوع ماده ۷ آیین نامه، به فرد دیگر خانوار در مواردی که سرپرست خانوار زندانی شده یا بشودها و یارانه برای پرداخت کمک - 3 به یکی از طرق زیر فتار خواهد شد.

در صورتی که شخص در زندان حال داخل کشور به سر برد ارائه گواهی از زندان مربوط ضروری است ولی چنانچه محل سکونت - الف خانوار با محل نگهداری شخص زندانی بعد مسافت زیادی داشته و مشکلاتی را از حیث رفت و آمد برای خانواده جهت اخذ گواهی ایجاد نماید، با اعلام اعضای خانوار سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها می‌تواند نظر زندان مورد نظر را استعلام و بر آن اساس عمل نماید زندان‌های سراسر کشور موظفند همکاری لازم را با سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها داشته باشند. در اینگونه موارد کمک‌ها و یارانه‌ها از تاریخی که به حساب سرپرست خانوار واریز نشده است تعلق خواهد گرفت.

ایرانیان وزارت امور خارجه در مورد سرپرستان زندانی در خارج از کشور ارائه گواهی لازم از معاونت کنسولی، امور مجلس و - ب ضروری است.

ها و اقدامات‌های مربوط به افراد زندانی خود سرپرست مستقیماً به حساب آنان واریز خواهد شد و سازمان زندان‌ها و یارانه‌کمک - ج تأمین و تربیتی موظف است مشخصات کامل و شماره حساب این قبیل زندانیان را به سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها اعلام و در صورت

نداشتن حساب ترتیبات لازم را برای افتتاح حساب افراد ذینفع به عمل آورد.

ها و در موارد عدم حضور سرپرست خانوار در محل زندگی خانوار به جهت سکونت یا اقامت در خارج از کشور پرداخت کمک - 4 یارانه‌ها به شخص دیگر صرفاً بنا به درخواست خانوار که به تایید دفتر ذیربط از زیرمجموعه معاونت کنسولی، امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه رسیده باشد صورت خواهد گرفت.

گواهی یا رأی قطعی مراجع قضایی - الف

هیأت‌های مشابه آن در سراسر کشور به لحاظ اعتیاد ارائه قطعی صادره از هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و - ب

گواهی پزشکی قانونی - ج

گواهی مراکز درمان و بازپروری سازمان بهزیستی کشور - د

سایر دلایل و مدارک متقن و مستند از جمله استشهاد محلی که به تایید اعضای شورای اسلامی یا شورایار محل سکونت خانوار - ه رسیده باشند.

تشخیص سایر موارد عدم صلاحیت سرپرست خانوار صرفاً با رأی قطعی مراجع قضایی قابل پذیرش برای سازمان هدفمندسازی یارانه - 5 خواهد بود.

گردد. موارد فوت سرپرست خانوار توسط سازمان ثبت احوال کشور اعلام می - 6

ها به آن دسته از معلولین ذهنی و جسمی و های موضوع ماده ۷ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و یارانه هادر رابطه با پرداخت کمک - 7 افراد غیرمعلول اعم از کودکان، زنان، سالمندان و بیماران روانی مزمن که در مراکز شبانه روزی دولتی و غیردولتی مورد تایید سازمان بهزیستی کشور نگهداری می‌شوند و فاقد سرپرست می‌باشند به ترتیب زیر رفتار خواهد شد:

بایست حاوی مشخصات از جمله شماره در مورد افراد دارای هویت براساس فهرست اعلامی از سوی سازمان بهزیستی کشور که می - الف ملی افراد مزبور باشد یارانه به حساب جداگانه‌ای به نام هر یک از آنان که توسط سازمان بهزیستی کشور افتتاح خواهد شد، واریز می‌شود.

باشند براساس فهرست‌ای که فاقد هرگونه مدارک هویتی از جمله شناسنامه و شماره ملی می‌درخصوص افراد مجهول الهویه - ب جداگانه‌ای که همه ساله با تایید رییس سازمان بهزیستی کشور با ذکر مشخصات فرد مورد نظر به تفکیک مرکز محل نگهداری هر یک از آنان اعلام می‌گردد کمک‌ها و یارانه‌های مربوط به حساب جداگانه‌ای که به همین منظور توسط سازمان بهزیستی کشور افتتاح خواهد شد واریز می‌گردد تا برای آنان هزینه گردد سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها همواره حق نظارت و بازرسی‌های ادواری یا موردی را در مورد ایتگونه افراد دارای می‌باشد.

در کلیه موارد مندرج در این دستورالعمل اولویت اصلی برای جانشین سرپرست مادر خانواده است و در صورت نداشتن مادر، فرزند - 8 بزرگ‌تر در صورت رسیدن به سن قانونی به عنوان سرپرست خانوار تلقی می‌گردد. در غیر این صورت چنانچه اعضای خانوار محجوز باشند کمک‌ها و یارانه‌ها مربوط به حساب قیم آنان وریز خواهد شد. صدور گواهی قیمومیت در این قبیل موارد توسط دادستان محل صورت خواهد گرفت.

هایی که با رعایت مفاد این دستورالعمل صورت گرفته باشد قطعیت پیدا نموده و هیچ گونه اعتراضی از طرف خانوار کلیه پرداخت - 9 مربوطه نسبت به آن مسموع نخواهد بود.

در مواردی که به جهات مقرر در ماده آیین نامه اجرایی کمک یا یارانه مربوط به حساب فرد دیگری غیر از سرپرست اصلی خانوار- 10 واریز می‌شود در صورت که موانع مندرج در ماده مزبور در مورد سرپرست خانوار برطرف گردد و واد صلاحیت دریافت یارانه شود با اعلام کتبی وی و ارائه مدارک مثبت، کمک‌ها یارانه جانشین سرپرست قطع و از آن زمان به بعد کمک‌ها و یارانه‌ها به حساب شخص وی واریز خواهد شد.

تواندها در موارد زیر نخواهد بود و سازمان حسب مورد می‌مفاد این دستورالعمل مانع اتخاذ تصمیم سازمان هدفمندسازی یارانه- 11 راهکار لازم را ارائه نماید:

ساز و کارهای اعلام شده در این دستورالعمل کافی ووفای به مقصود نباشد. - الف

سایر موارد که در ماده ۹ آیین نامه یا این دستورالعمل ذکر نشده است. - ب

۱۰ جهت اعمال تغییر + تر پلیس‌توانند با نامه فرمانداری به دفاهای بد سرپرست می‌ها، خانواده‌مدیرعامل سازمان هدفمند سازی یارانه سرپرست مراجعه کنند.

ها پس ازها به استانداران سراسر کشور فرمانداری به گزارش خبرنگار اینلنا بر اساس نامه اکبر ایزدی مدیرعامل سازمان هدفمند سازی یارانه بررسی مدارک و مستندات خانوارهای بدسرپرست، در صورت تایید، فرد سرپرست جدید خانوار می‌تواند به همراه نامه رسمی فرمانداری، ۱۰ جهت اعمال تغییر سرپرست معرفی شود. + تر پلیس به دفا

لازم به توضیح است، بررسی مدارک و مستندات خانوارهای بدسرپرست و نیز کفالت، حضانت، «در قسمتی از این نامه آمده است قیومیت، احکام صادره دادگاه‌های راجع به خانوار، عدم تفاهم زوجین موضوع دستورالعمل ماده (۹) آیین نامه اجرایی ماده (۷) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاحیه بعدی آن همچنان در دستور کار همکاران جنابعالی در فرمانداری‌ها قرار دارد.

بدین معنا که در صورت مراجعه اینگونه افراد برای تغییر سرپرست خانوارهای بد سرپرست، یا اجرای احکام کفالت، حضانت، قیومیت یا عدم سازش زوجین یا سایر احکام دادگاه‌های مربوط به خانوار کما فی السابق موضوع در فرمانداری‌ها به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ها پس از بررسی دقیق و کامل مستندات مندرج در دستورالعمل ماده (۹) آیین نامه اجرایی ماده (۷) در مورد افراد بدسرپرست، فرمانداری قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاحیه بعدی آن، در صورت تایید، فرد سرپرست جدید خانوار را به همراه نامه رسمی فرمانداری محترم، به «نمایند. ۱۰ جهت اعمال تغییر سرپرست معرفی می + تر پلیس دفا

ها به شرح زیر است: دستورالعمل موضوع ماده ۹ آیین نامه اجرایی ماده ۷ قانون هدفمند کردن یارانه

۱- ها به مدت حداقل ۳ ماه مفقود شده و هیچگونه اطلاعی ازها مدعی شود که سرپرست آن در صورتی که اعضای خانوار یا یکی از آن - ۱ وی در دست نیست با ارائه استشهاد محلی که به تایید شورای اسلامی یا شورایی یا مراجع ذیصلاح دیگر محل سکونت آنان نیز رسیده باشد، کمک و یارانه خانوار مزبور با کسر یک نفر به حساب عضو دیگر خانوار پرداخت خواهد شد.

۲- ها به خاطر جنون یا سفت، محجور شناخته شده یا بشود. ارائه‌ها به فرد دیگری که سرپرست خانوار آن‌ها و یارانه برای اعطای کمک - ۲ یکی از مدارک زیر الزامی است:

حکم مرجع قضایی ذیصلاح - الف

گواهی پزشکی قانونی - ب

۳- ها به تایید وزارت بهداشت، درمان و آموزش گواهی یکی از بیمارستانهای روانی مراکز نگهداری این قبیل افراد که صلاحیت آن - ج پزشکی رسیده باشد.

گواهی سازمان بهزیستی محل - د

۳- های موضوع ماده ۷ آیین نامه، به فرد دیگر خانوار در مواردی که سرپرست خانوار زندانی شده یا بشودها و یارانه برای پرداخت کمک - ۳ به یکی از طرق زیر فتار خواهد شد.

در صورتی که شخص در زندان حال داخل کشور به سر برد ارائه گواهی از زندان مربوط ضروری است ولی چنانچه محل سکونت - الف خانوار با محل نگهداری شخص زندانی بعد مسافت زیادی داشته و مشکلاتی را از حیث رفت و آمد برای خانواده جهت اخذ گواهی ایجاد نماید، با اعلام اعضای خانوار سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها می‌تواند نظر زندان مورد نظر را استعلام و بر آن اساس عمل نماید زندان‌های سراسر کشور موظفند همکاری لازم را با سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها داشته باشند. در اینگونه موارد کمک‌ها و یارانه‌ها از تاریخی که به حساب سرپرست خانوار واریز نشده است تعلق خواهد گرفت.

ایرانیان وزارت امور خارجه در مورد سرپرستان زندانی در خارج از کشور ارائه گواهی لازم از معاونت کنسولی، امور مجلس و - ب ضروری است.

ها و اقدامات‌های مربوط به افراد زندانی خود سرپرست مستقیماً به حساب آنان واریز خواهد شد و سازمان زندان‌ها و یارانه‌کمک - ج تأمین و تربیتی موظف است مشخصات کامل و شماره حساب این قبیل زندانیان را به سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها اعلام و در صورت نداشتن حساب ترتیبات لازم را برای افتتاح حساب افراد ذینفع به عمل آورد.

ها و در موارد عدم حضور سرپرست خانوار در محل زندگی خانوار به جهت سکونت یا اقامت در خارج از کشور پرداخت کمک - 4 یارانه‌ها به شخص دیگر صرفاً بنا به درخواست خانوار که به تایید دفتر ذریبط از زیرمجموعه معاونت کنسولی، امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه رسیده باشد صورت خواهد گرفت.

گواهی یا رأی قطعی مراجع قضایی - الف

هیأت‌های مشابه آن در سراسر کشور به لحاظ اعتیاد ارائه قطعی صادره از هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و - ب

گواهی پزشکی قانونی - ج

گواهی مراکز درمان و بازپروری سازمان بهزیستی کشور - د

سایر دلایل و مدارک متقن و مستند از جمله استشهاد محلی که به تایید اعضای شورای اسلامی یا شورایار محل سکونت خانوار - ه رسیده باشند.

تشخیص سایر موارد عدم صلاحیت سرپرست خانوار صرفاً با رأی قطعی مراجع قضایی قابل پذیرش برای سازمان هدفمندسازی یارانه - 5 خواهد بود.

گردد. موارد فوت سرپرست خانوار توسط سازمان ثبت احوال کشور اعلام می - 6

ها به آن دسته از معلولین ذهنی و جسمی و های موضوع ماده ۷ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و یارانه هادر رابطه با پرداخت کمک - 7 افراد غیرمعلول اعم از کودکان، زنان، سالمندان و بیماران روانی مزمن که در مراکز شبانه روزی دولتی و غیردولتی مورد تایید سازمان بهزیستی کشور نگهداری می‌شوند و فاقد سرپرست می‌باشند به ترتیب زیر رفتار خواهد شد:

بایست حاوی مشخصات از جمله شماره در مورد افراد دارای هویت براساس فهرست اعلامی از سوی سازمان بهزیستی کشور که می - الف ملی افراد مزبور باشد یارانه به حساب جداگانه‌ای به نام هر یک از آنان که توسط سازمان بهزیستی کشور افتتاح خواهد شد، واریز می‌شود.

باشند براساس فهرست‌ای که فاقد هرگونه مدارک هویتی از جمله شناسنامه و شماره ملی می‌درخصوص افراد مجهول الهویه - ب جداگانه‌ای که همه ساله با تایید رییس سازمان بهزیستی کشور با ذکر مشخصات فرد مورد نظر به تفکیک مرکز محل نگهداری هر یک از آنان اعلام می‌گردد کمک‌ها و یارانه‌های مربوط به حساب جداگانه‌ای که به همین منظور توسط سازمان بهزیستی کشور افتتاح خواهد شد واریز می‌گردد تا برای آنان هزینه گردد سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها همواره حق نظارت و بازرسی‌های ادواری یا موردی را در مورد ایتگونه افراد دارای می‌باشد.

در کلیه موارد مندرج در این دستورالعمل اولویت اصلی برای جانشین سرپرست مادر خانواده است و در صورت نداشتن مادر، فرزند - 8 بزرگ‌تر در صورت رسیدن به سن قانونی به عنوان سرپرست خانوار تلقی می‌گردد. در غیر این صورت چنانچه اعضای خانوار محجوز باشند کمک‌ها و یارانه‌ها مربوط به حساب قیم آنان وریز خواهد شد. صدور گواهی قیمومیت در این قبیل موارد توسط دادستان محل صورت خواهد گرفت.

هایی که با رعایت مفاد این دستورالعمل صورت گرفته باشد قطعیت پیدا نموده و هیچ گونه اعتراضی از طرف خانوار کلیه پرداخت - 9 مربوطه نسبت به آن مسموع نخواهد بود.

در مواردی که به جهات مقرر در ماده آیین نامه اجرایی کمک یا یارانه مربوط به حساب فرد دیگری غیر از سرپرست اصلی خانوار - 10 واریز می‌شود در صورتی که موانع مندرج در ماده مزبور در مورد سرپرست خانوار برطرف گردد و واد صلاحیت دریافت یارانه شود با اعلام کتبی وی و ارائه مدارک مثبت، کمک‌ها یارانه جانشین سرپرست قطع و از آن زمان به بعد کمک‌ها و یارانه‌ها به حساب شخص وی واریز خواهد شد.

تواندها در موارد زیر نخواهد بود و سازمان حسب مورد می‌مفاد این دستورالعمل مانع اتخاذ تصمیم سازمان هدفمندسازی یارانه - 11 راهکار لازم را ارائه نماید:

ساز و کارهای اعلام شده در این دستورالعمل کافی ووافی به مقصود نباشد. - الف

سایر موارد که در ماده ۹ آیین نامه یا این دستورالعمل ذکر نشده است. - ب

## زنان به دلیل مرخصی زایمان ای 20 شکایت از اخراج هفته



عکس: اعتماد

های جمعیتی ابلاغ‌های جمعیتی ابلاغ شده از سوی رهبری گفت: سیاست‌جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به سیاست معاون رئیس شده بسیار واقع‌بینانه‌تر از آن چیزی است که در مجلس بررسی می‌شود و در راستای این سیاست‌ها نیز ما بر اصل تغییرات اقتصادی در ساختار خانواده و ارتقای توانمندی خانواده تاکید داریم.

با اشاره به ایجاد نگرانی برخی کارشناسان مبنی بر فروپاشی نهاد خانواده گفت: تغییرات ساختار اجتماعی مانند شهیندخت مولوردی افزایش سن ازدواج و کاهش باروری، توجه ویژه زنان به اشتغال و استقلال اقتصادی زمینه‌هایی است که دولت باید در اجرای برنامه‌های ارتقای سلامت خانواده به آنها توجه ویژه کند.

وی درباره اجرایی شدن افزایش مرخصی زایمان نیز توضیح داد: ما اقدامات لازم را برای افزایش مرخصی زایمان انجام داده‌ایم و در انتظار آن هستیم. ابلاغ بودجه

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده ادامه داد: البته برای افزایش مرخصی زایمان زنان باید امتیازات ویژه ای مانند ایجاد ساعت کار شناور برای مادران در نظر بگیریم، چرا که بسیاری از زنان شاغل پس از مرخصی زایمان شغل خود را از دست می‌دهند.

کند و با توجه به این‌ای 20 شکایت از اخراج زنان به دلیل مرخصی زایمان دریافت می‌به گفته وی، در حال حاضر معاونت زنان هفته شرایط بهتر است به جای تقلیل ساعت کاری، ساعت کاری شناور برای مادران در نظر گرفته شود و هم زمان با آن، مهدکودک در کنار محل کار زنان ایجاد شود.

5 خرداد 1393

منبع: <http://www.etemaad.ir/Released/93-03-05/93.htm>

## نگاهی به کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مشکلات ایران برای پیوستن به آن و



عکس: Gisella Klein11

## روزنامه نگار - ویدا بالیخانی

مرکز امور مشارکت زنان در سال 1377 لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان را، با دو شرط تقدیم دولت نمود. دولت اصلاحات این لایحه را تصویب و به مجلس ششم ارسال نمود و این بار فراکسیون زنان مجلس دست به کار شد و فهرستی از مشکلات حقوقی زنان را تهیه کرده و بر طرف کردن این مشکلات را، مستلزم تغییر قوانین مربوط به زنان و پیوستن به این کنوانسیون دانست.

لایحه پیشنهادی دولت به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی رفت و تصویب شد این یک خبر برای فعالان حقوق زن در ایران بود. بسیار امیدوار کننده بود.

قرار شد این لایحه 22 اسفند 1380 در دستور کار مجلس قرار گیرد ولی بر خلاف آئین نامه مجلس از دستور کار آن خارج و مذاکرات آغاز گردید. نمایندگان زن برای دیدار با علما به قم رفتند، مخالفان هم بیکار ننشستند. امامان جمعه شهرهای تبریز، همدان، قم، سمنان، رشت، اهواز و ایلام شهردر خطبه های نماز جمعه علیه پیوستن به این کنوانسیون سخنرانی کردند و در قم بعد از نماز جمعه تظاهرات به راه انداختند.

نمایندگان زن مجلس ششم هم پی در پی تذکر می دادند و با نمایندگان مرد برای تصویب این کنوانسیون رایزنی می کردند. در نهایت قرار شد، 17 اسفند 1382 دوباره این لایحه در صحن علنی مجلس مطرح شود ولی این کار تا اول مرداد سال بعد به تعویق افتاد.

در روز اول مرداد 1383 محمد رضا خاتمی (در جانشینی از مهدی کروبی) رییس مجلس بود. موسی قربانی و حسن سبحانی بعنوان نمایندگان مخالف با کنوانسیون سخنرانی کردند و الهه کولایی و احمد پور نجاتی نیز به عنوان موافق پشت تریبون رفتند و در نهایت مجلس شورای اسلامی به پیوستن ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان رای مثبت داد.

مصوبه به شورای نگهبان رفت و شورای نگهبان الحاق به این کنوانسیون را خلاف شرع و قانون اساسی دانست و آنرا رد کرد.

عمده ترین دلیل مخالفان الحاق، وجود اختلاف برخی از مواد کنوانسیون با برخی از قواعد و مقررات در نظام حقوقی کشورمان می باشد؛ به ویژه این که به اعتقاد آنها از آن جا که عمده این قوانین از دستورات اسلامی برگرفته شده اند، غیرقابل تغییرند و چنان چه ایران به کنوانسیون ملحق شود امکان تغییر و اصلاح مواد معارض منتهی است و از پیامدهای سوء این الحاق مسئولیت بین المللی ایران خواهد بود. در مقابل، موافقین الحاق که خود دو گروه اند (موافقین الحاق مشروط و موافقین الحاق بدون شرط) الحاق ایران را امری ضروری دانسته و معتقدند که اسلام دینی است پویا و خاتم تمام ادیان، پس قرائت ما از این دین باید به گونه ای باشد که با پیشرفت مدنیت و توسعه جامعه بشری بتواند پاسخگوی مسائل گوناگون باشد. در این مقاله دلایل مخالفان و موافقان الحاق مورد بررسی و نقد قرار گرفته و با توجه به مستندات مختلف، الحاق مشروط ایران توصیه شده است.

قابل توجه است که از مجموع 57 کشور اسلامی تاکنون 42 کشور از جمله مصر، اندونزی، عراق، لیبی، اردن، بنگلادش، افغانستان، سوریه و نیجریه کنوانسیون را تصویب نموده اند.

## پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوبه 15 اکتبر 1999 بدین شرح است:

با توجه به منشور سازمان ملل متحد مبنی بر اعتقاد راسخ به اصول پایه ای حقوق بشر و احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه ناپذیر حقوق مردان و زنان.

تمام افراد بشر آزاد بدنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر هستند و همه از کلیه "اعلامیه جهانی حقوق بشر" با توجه به

حقوق و آزادی‌هایی که در آن بیان شده است بدون هیچگونه تمایزی از جمله تمایز در جنسیت، برخوردار می‌باشند.

با یادآوری و تذکر به میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر که تبعیض بر مبنای جنسیت را منع کرده‌اند.

با یادآوری و تذکر به کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که دولت‌های عضو بوسیله آن تبعیض علیه زنان را در تمام اشکال آن محکوم کرده‌اند و پذیرفته‌اند که با تمام ابزارهای مناسب و بدون درنگ رویه حذف تبعیض علیه زنان را پیگیری کنند.

با تأیید مجدد بر تصمیم آنها (دولت‌های عضو) جهت بهره‌مندی کامل و مساوی زنان و برخورداری آنها از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نیز اطمینان از اقدامات موثر برای ممانعت از نقض این حقوق و آزادی‌ها.

چنان که از عنوان کنوانسیون مشخص است هدف زدودن هر نوع تبعیض علیه زنان و تأمین تساوی همه جانبه آنان با مردان است. برخی از اصول و حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون بین‌المللی عبارتند از:

- برابری حقوق زن و مرد در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
- جایز نبودن تبعیض علیه زنان در تمامی اشکال و توسط هر فرد، سازمان یا شرکت
- تقسیم مسئولیت بین زن و مرد و جامعه به طور کلی در تربیت کودکان
- الغای موانع جنسیتی انتخاب حرفه و شغل و رفع تبعیض شغلی زنان و برقراری امنیت شغلی و آزادی انتخاب محل اقامت و سکونت برای زنان
- ایجاد امکانات و شرایط مساوی با مردان در زمینه شغل و حرفه و انتخاب رشته‌های تحصیلی و اخذ مدرک تحصیلی از مؤسسات آموزشی، استفاده از بورس‌ها و سایر مزایای تحصیلی
- تسهیل دسترسی آنان به توجه به رفاه اقتصادی زنان و - شیردهی؛ اعطای خدمات رایگان به آنان در دوران بارداری و تغذیه مناسب زنان و وام‌ها و اعتبارات مختلف و تکنولوژی مناسب خصوصاً در مورد زنان روستایی
- تساوی زنان با مردان در اهلیت قانونی، انعقاد قرارداد، اداره املاک و دارایی‌ها و شرکت در مراحل مختلف دادرسی در دادگاه
- برخورداری زنان و مردان از حقوق مساوی و یکسان در مسائل و حقوق خانواده از جمله انتخاب آزادانه همسر، حقوق و تعهدات در دوران زناشویی و پس از جدایی، تصمیم‌گیری در مورد بارداری و تعداد فرزندان، قیمومت، حضانت، سرپرستی و فرزندخواندگی
- تشکیل کمیته رفع تبعیض علیه زنان جهت اجرای مفاد این کنوانسیون از میان کارشناسان دارای صلاحیت که در انتخاب این اشخاص به توزیع عادلانه جغرافیایی و به حضور اشکال مختلف تمدن و نظام‌های عمده حقوقی توجه می‌شود.

## **دولت‌های عضو موارد زیر را می‌پذیرند:**

### ماده اول

دولت عضو پروتکل حاضر صلاحیت کمیته حذف تبعیض علیه زنان (کمیته) را جهت دریافت و رسیدگی به شکایات ارائه شده بنا بر ماده 2 به رسمیت می‌شناسد.

### ماده دوم

شکایات ممکن است بوسیله فرد یا به نیابت از افراد یا جمعیتی بنا بر اختیارات قانونی یک دولت عضو تسلیم کمیته شود و (شکایت‌کننده) مدعی گردد، بنا بر حقوقی که در کنوانسیون بیان شده است قربانی خشونت از جانب دولت عضو شده است. در جاییکه شکایت به نیابت افراد و یا جمعیتی به کمیته تسلیم شده باشد، جلب رضایت آنها ضروری است مگر آنکه مرجع قانونی این نیابت را بدون رضایت آنها مجاز بدانند.

### ماده سوم

شکایات میبایست بطور کتبی و دارای امضاء باشد. اگر شکایت رسیده به کمیته راجع به دولتی باشد که عضو کنوانسیون است اما عضو پروتکل نیست، این شکایت مورد رسیدگی قرار نخواهد گرفت.

### ماده چهارم

کمیته به شکایت فردی رسیدگی خواهد کرد که محقق و معلوم گردد آن فرد تمام راه‌های قابل قبول اصلاحی داخلی را طی کرده (1) و نتیجه‌ای از شکایت خود نگرفته است. (این قاعده) در مواردی که طی کردن مراحل شکایت بنحو غیر معقولی طولانی باشد، اجرا نخواهد شد.

2) کمیته شکایاتی را که قابل پذیرش نیستند را (به دلایل زیر) اعلام خواهد کرد:

الف) آن شکایت قبلاً بوسیله کمیته یا بوسیله دیگر روند تحقیقات بین المللی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد.

ب) آن شکایت آشکارا ناقص و یا کاملاً اثبات نشدنی باشد.

ج) آن شکایت (تشخیص داده شود که) مورد سوء استفاده از حق تسلیم شکایت کردن است.

د) موارد موضوع شکایت زمانی اتفاق افتاده است که پروتکل حاضر برای دولت عضو مربوطه لازم الاجرا نبوده است، مگر آنکه آن موارد بعد از آن زمان ادامه داشته است.

#### ماده پنجم

1) در هر زمان پس از دریافت شکایت و قبل از تصمیم و تعیین صلاحیت (رسیدگی به شکایت) کمیته میتواند از دولت عضو مربوطه درخواست کند برای رسیدگی فوری فیما بین و جهت جلوگیری از زیانهای جبران ناپذیری که (ممکن است) به قربانی و یا قربانیان مدعی خسونت وارد شده باشد، اقدامات لازم را بعمل آورد.

2) در جائیکه کمیته نظر صلاحدید خود را طبق بند 1 ماده حاضر ابراز کند، این (نظر) دلالت به یک تصمیم مجاز و قابل قبول و یا استحقاق (رسیدگی) به شکایت تلقی نمی گردد.

#### ماده ششم

1) کمیته به شکایت غیر مجاز و بدون (ذکر) مرجع دولت عضو مربوطه رسیدگی میکند، مشروط به اینکه فرد یا افراد موافقت کنند که هویت آنها برای دولت عضو روشن شود. در این مورد کمیته شکایتی که به آن تسلیم میشود را بنابر پروتکل حاضر، جهت رسیدگی به امور دولت عضو مربوطه محرمانه مطرح خواهد کرد.

2) در ظرف شش ماه دولت عضو دریافت کننده (شکایت)، توضیحات یا اظهارات روشن کننده ای راجع به موضوع و تدابیری را که برای بهبود وضعیت ممکن است اتخاذ گردد و یا در صورت اتخاذ چنین تدابیری بطور کتبی به کمیته تقدیم خواهد داشت.

#### ماده هفتم

1) کمیته به شکایات دریافتی بنابه پروتکل حاضر و به کمک اطلاعات قابل دسترس که بوسیله (فرد) یا به نیابت افراد یا گروهها و دولت عضو مربوطه دریافت کرده است، رسیدگی خواهد نمود. اطلاعات ارائه شده به کشورهای مربوطه ارسال میگردد.

2) کمیته در موقع رسیدگی به شکایات بنابه پروتکل حاضر جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

3) پس از رسیدگی به شکایات، کمیته نظرات خود را نسبت به شکایت و نیز توامان پیشنهادات خود را و یا هر (نظر) دیگری را به کشورهای مربوطه ارسال خواهد داشت.

4) دولتهای عضو به نظرات و توصیه های کمیته توجه کامل خواهند کرد و ظرف 6 ماه پاسخ کتبی از جمله اطلاعات مبنی بر هر اقدامی که به (اجرای) نظرات و توصیه های کمیته کمک نماید، ارائه خواهند نمود.

5) کمیته ممکن است کشور عضو را به ارائه بیشتر اطلاعات در باره اقداماتی که در پاسخ نظرات و توصیه ها از جمله تصمیمات مقتضی کمیته انجام داده است، ترغیب کند. (این اقدامات) و گزارشات بعدی دولت عضو طبق ماده 18 کنوانسیون میباشد.

#### ماده هشتم

1) اگر کمیته اطلاعات موثق و معتبر دریافت کند که نشان دهد یک دولت عضو، حقوقی را که در کنوانسیون بیان شده است، بطور مرتب نقض کرده است. کمیته آن دولت عضو را جهت همکاری و رسیدگی به اطلاعات بدست آمده دعوت خواهد کرد و در پایان مشاهدات خود را در رابطه با اطلاعات مربوطه ارائه خواهد کرد.

2) با توجه و با در نظر گرفتن مشاهداتی که بوسیله دولت عضو مربوطه پذیرفته شده است و همچنین دیگر اطلاعات موثق و قابل دسترس، کمیته یک یا چند تن از اعضاء خود را برای تحقیق و رسیدگی تعیین میکند تا گزارشی فوری برای کمیته تهیه نمایند. این تحقیقات و رسیدگی شامل بازدید از قلمرو کشور مربوطه و با مجوز کتبی دولت عضو انجام خواهد گرفت.



- 3) پس از کسب مجوز و رسیدگی برای چنین تحقیقی، کمیته این مجوز را همراه با نظرات و توصیه های خود به دولت عضو مربوط ارسال خواهد کرد.
- 4) دولت عضو مربوطه ظرف 6 ماه از دریافت حکم کتبی و با توجه به نظرات و توصیه هائی که بوسیله کمیته ارسال شده است، موافقت خود را جهت تحقیقات کمیته ابراز خواهد کرد.
- 5) چنین تحقیق و رسیدگی محرمانه انجام خواهد گرفت و همکاری دولت عضو در تمام مراحل تحقیقات خواسته خواهد شد.

#### ماده نهم

- 1) کمیته ممکن است دولت عضو مربوطه را جهت (ارائه) گزارش خود، طبق ماده 18 کنوانسیون و همچنین جزئیات اقدامات انجام شده در پاسخ به رسیدگی ها و تحقیقات به عمل آمده را طبق ماده 18 پروتکل حاضر، دعوت نماید.
- 2) کمیته ممکن است در صورت ضرورت طبق ماده 8 و 4، پس از پایان دوره 6 ماهه طی دعوتی از دولت عضو مربوطه، اقدامات انجام شده در پاسخ به رسیدگی ها را به اطلاع آن دولت برساند.

#### ماده دهم

- 1) هر دولت عضوی در موقع امضاء یا تصویب یا الحاق پروتکل حاضر ممکن است اعلام کند که صلاحیت کمیته را نسبت به ماده 8 و 9 به رسمیت نمیشناسد.
- 2) دولت عضوی که در ارتباط با بند 1 ماده حاضر اعلام کرده است (که صلاحیت کمیته را به رسمیت نمیشناسد) میتواند در هر زمان بوسیله اعلام به دبیر کل آنرا پس بگیرد.

#### ماده یازدهم

دولت عضو کلیه اقدامات لازم و مقتضی را برای اطمینان از اینکه افراد بنابر قوانین قضائی آن کشور تحت رفتار بد یا تهدید که در نتیجه ارتباط آنها با کمیته و پیگیری پروتکل حاضر (نسبت به آن دولت) میباشد، انجام خواهد داد.

#### ماده دوازدهم

کمیته گزارش سالانه خود را طبق ماده 21 کنوانسیون و خلاصه فعالیت های خود را طبق این پروتکل ارائه خواهد داد.

#### ماده سیزدهم

هر یک از دولتهای عضو متعهد میشوند که بطور گسترده مفاد کنوانسیون و پروتکل حاضر را در دسترس اطلاع عموم قرار دهند، بویژه امکانات دستیابی به اطلاعات در مورد دانستن نظرات و پیشنهادات کمیته در خصوص دولت عضوی که درگیر است را مهیا سازند.

#### ماده چهاردهم

کمیته مقررات اجرائی خود را در جهت پیروی (از دستورالعمل ها) و وظائفی که این پروتکل به آن اعطاء کرده است، تعیین و گسترش خواهد داد.

#### ماده پانزدهم

- 1) پروتکل حاضر برای امضاء هر کشوری که کنوانسیون را امضاء، تصویب یا به آن ملحق شده است، مفتوح خواهد بود.
- 2) پروتکل حاضر موقوف به تصویب هر کشوری است که کنوانسیون را تصویب یا به آن ملحق شده است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.
- 3) پروتکل حاضر برای الحاق هر کشوری که کنوانسیون را تصویب کرده است و یا به آن ملحق شده است، مفتوح خواهد بود.
- 4) الحاق بوسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.

#### ماده شانزدهم

- 1) پروتکل حاضر 3 ماه پس از تاریخ سپردن دهمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل لازم الاجرا خواهد شد.
- 2) برای هر کشوری که پس از لازم الاجرا شدن، این پروتکل را به تصویب رساند و یا به آن ملحق شود، این پروتکل 3 ماه پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق، لازم الاجرا خواهد بود.

#### ماده هفدهم

هیچ اجازه حق شرطی (حق تحفیظ) نسبت به پروتکل حاضر داده نخواهد شد.

#### ماده هجدهم

- 1) هر کشوری میتواند اصلاحیه ای نسبت به پروتکل حاضر پیشنهاد کند و آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل هر اصلاحیه پیشنهاد شده را به کشورهای عضو (این پروتکل) ارسال میدارد و طی درخواستی از آنها میخواهد که به او اطلاع دهند که آیا مایل هستند کنفرانسی از کشورهای طرف معاهده برای بررسی این طرحها و اخذ رای در باره آنها تشکیل شود. هر گاه حداقل یک سوم کشورهای طرف معاهده موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه ای که به اکثریت آراء کشورهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس پذیرفته شود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.
- 2) هنگامیکه اصلاحیه ها به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسیده باشد و بوسیله دوسوم از کشورهای طرف معاهده پروتکل حاضر و طبق قانون اساسی هر یک از آنها پذیرفته گردد، لازم الاجرا خواهد شد.
- 3) هنگامیکه این اصلاحیه ها لازم الاجرا شدند برای کشورهایی که آنها را پذیرفته اند اجرای آن الزامی خواهد بود. سایر کشورهای عضو کماکان به مقررات پروتکل حاضر و هر اصلاحیه ای که قبلا پذیرفته اند ملزم خواهند بود.

#### ماده نوزدهم

- 1) هر کشور عضو میتواند در هر زمان بوسیله اعلام کتبی خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد پروتکل حاضر را فسخ نماید. این فسخ شش ماه پس از تاریخ وصول اعلام به دبیر کل نافذ خواهد بود.
- 2) فسخ به اجرای مقررات پروتکل حاضر در مورد هر اطلاعیه ای که به موجب ماده 2 قبل از تاریخ نافذ شدن فسخ تقدیم شده باشد خللی وارد نخواهد کرد.

#### ماده بیستم

دبیر کل سازمان ملل متحد به اطلاع تمام کشورها مراتب زیر را خواهد رساند:

الف) امضاها، تصویب ها و الحاق های پروتکل حاضر را

ب) تاریخ لازم الاجرا شدن پروتکل حاضر و هر اصلاحیه ای را بنابر ماده 18

ج) هر فسخی که انجام گیرد بنابر ماده 19

#### ماده بیست و یکم

- 1) متنهای عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی پروتکل حاضر دارای اعتباری یکسان است و در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.
- 2) دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت گواهی شده پروتکل حاضر را به کلیه کشورهای مذکور در ماده 25 کنوانسیون ارسال خواهد کرد.

#### **منابع:**

<http://www.unic-ir.org/hr/hr43.pdf>

<http://www.humanitiesportal.com/FA/ArticleView.html?ArticleID=109253&SubjectID=6752>

<http://www.wrc.ir/?action=Publication.View&Type=&CID=99&ID=521>

---